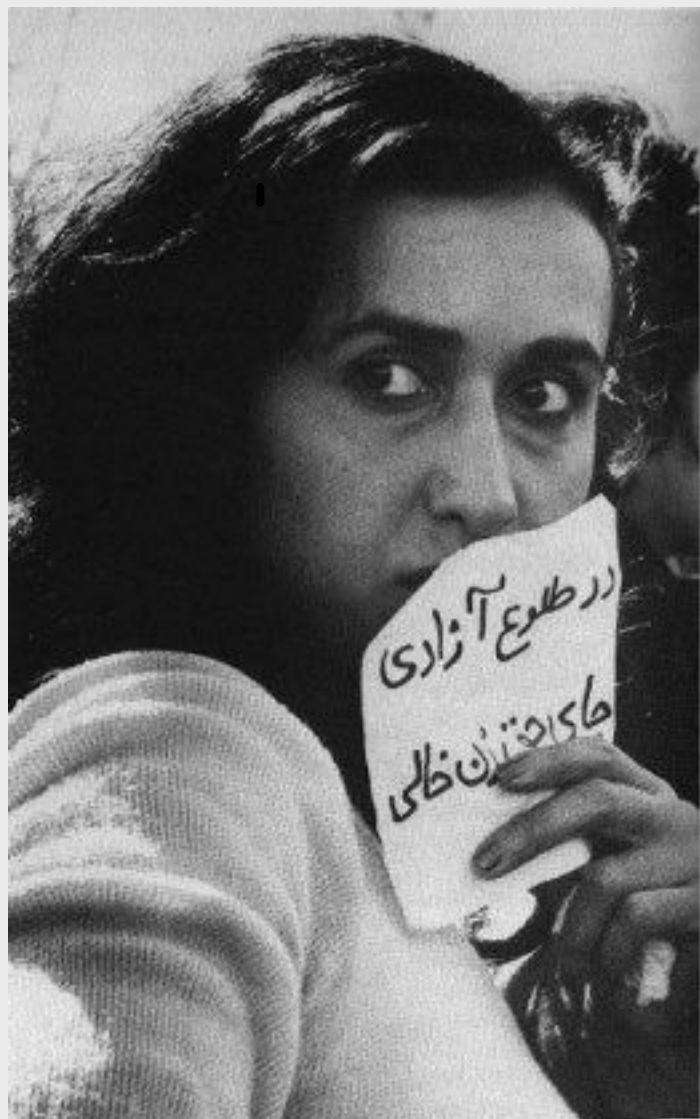


زنان و انقلاب ۵۷



بخش اول: اعتراضات زمستان ۵۷

زنان و انقلاب ۱۳۵۷

بخش اول

***فهرست**

- مقدمه

- روزشمار (اعتراضات زمستان ۱۳۵۷)

- سازمان‌ها و تشکل‌های زنان

- منابع

* مقدمه

جمهوری اسلامی خیلی زود روی سرکوبگر خود را به زنان نشان داد. برای درک این سرکوب باید دست کم تا اعتراضات خیابانی ضدشاه در ماه‌های منتهی به انقلاب بهمن به عقب رفت. در این اعتراضات برای حفظ «وحدت کلمه» و برای «پرهیز از ایجاد شکاف در صفوف انقلاب» به زنان توصیه می‌شد که بهتر است آنان «حجاب» را رعایت کنند. اما طولی نکشید که «توصیه»ی فوق رنگ اجبار و «باید» به خود گرفت و زنانی که در برابر این «اجبار» دست به مقاومت گسترده زدند، به شکلی خشونت‌بار توسط نیروهای مرتجع سرکوب شدند. شدت و سرعت عمل نیروهای مرتجع علیه زنان به حدی بود که پیش از استقرار کامل نظام جمهوری اسلامی، زنان به فاصله‌ی کمتر از یک ماه پس از «پروزی» انقلاب، تحت فرمان خمینی و با مشارکت و حمایت همه‌جانبه‌ی دولت موقت، همان حقوق نصف و نیمه خود را نیز یکی پس از دیگری از دست دادند:

- ۷ اسفند ۵۷ به دستور خمینی اجرای «قانون حمایت خانواده» متوقف شد.

- ۱۲ اسفند ۵۷ گماردن زنان به مشاغل قضایی و قضاوت ممنوع شد.

- ۱۳ اسفند ۵۷ طلاق حق انحصاری مرد اعلام شد.

- ۱۶ اسفند ۵۷ حجاب اسلامی برای زنان شاغل، اجباری شد.

در این جزوه تلاش کرده‌ایم با رجوع به مطبوعات و مرور خاطرات زنان فعال در آن روزگار، شمایی کلی از مقطعی از تاریخ مبارزات آزادی‌خواهی زنان ایران رسم کنیم. با این امید که شاید گردآوری این اسناد به کار محققین و پژوهشگران آینده بیاید و از آن مهم‌تر، پوینده‌گان راه آزادی، با چالش‌ها و فضای مبارزاتی نسل‌های قبل از خود آشنا گردند.

در این بخش صرفاً به وقایع رخ داده و اظهار نظرات افراد شاخص سیاسی در زمستان ۵۷ پرداخته شده است. در بخش‌های بعدی به بررسی وقایع مربوط به تابستان ۵۸ و تابستان ۵۹ خواهیم پرداخت.

* روزشمار (اعتراضات زمستان ۱۳۵۷)

تهدید زنان و دختران بی چادر

«اخیراً در برخی از شهرهای میهن ما مانند تبریز، همدان، کرمان و... دیده شده که گروهی ناآگاه، زنان و دختران بی چادر را تهدید به آتش زدن، چاقو زدن و اسیدپاشی کرده‌اند... در شهر همدان اعلامیه‌هایی به دیوارها چسبانیده‌اند که در آنها تأکید شده از رفت و آمد زنان بی چادر جلوگیری خواهد شد.»

[بیانیه زنان مجاهد، آیندگان، ۲۶ دی ۵۷]

آیت‌الله منتظری: حجاب به معنای چادر نیست

«اصولاً حجاب اسلامی، به معنی پوشیده شدن در چادر نیست و هدف آن است که زن در جامعه لخت نباشد که وسیله ی شهوت‌رانی قرار گیرد، و گرنه با مراعات حجاب اسلامی و عدم اختلاط دختر و پسر از نظر اسلام آزادی‌های مورد نیاز برای زنان و دختران تأمین می‌شود و آن‌ها از تمام مزایا و حقوق اجتماعی مشروع بهره‌مند هستند.»

[مصاحبه با خبرنگار روزنامه‌ی فرانسوی لوسوار (Le Soir)، کیهان، ۲۶ دی ۵۷]

از طرف جامعه روحانیت، مقررات راهپیمایی اربعین^۱ اعلام شد

«... ۲- از پخش هرگونه اعلامیه و نشریه، و نیز از قبول آن خودداری فرمایید... ۷- از دادن شعارهای متفرقه و آوردن پلاکارت‌هایی که مغایر با وحدت اسلامی می‌باشد و انجام هر نوع رفتار و عملیاتی که با یکپارچگی و هدف‌های

^۱ راهپیمایی اربعین (۲۹ دی ۱۳۵۷). روند مذهبی شدن جنبش ضدشاه - به شکل انحصارطلبانه - از مهرماه ۵۷ و با رنگ مذهبی گرفتن شعارها آغاز شد. زنانی که به‌طور مرتب در تظاهرات ضدشاه شرکت می‌کردند، عنوان می‌کنند که از مهرماه ۵۷ (بعد از تظاهرات عیدفطر در ۱۳ شهریور) عده‌ای سعی در کنترل شعارها داشتند و با زنان بی‌حجاب برخورد می‌کردند. روزهای تاسوعا و عاشورا (۱۹ و ۲۰ آذر) و نهایتاً روز اربعین نقطه‌ی اوج فرایند اسلامی‌شدن تظاهرات بود. مزاحمت‌ها و آزارها بیشتر شد و به زنان تذکر داده می‌شد که برای حفظ همبستگی باید در تظاهرات روسری سر کنند. هم‌چنین صف تظاهرات‌کنندگان زن و مرد نیز از هم جدا شد. جواد منصوری (از اولین فرماندهان سپاه پاسداران) درباره‌ی تظاهرات روز اربعین و چگونگی سازماندهی آن می‌گوید: «... راهپیمایی اربعین درس بزرگ انقلاب بود... به همین دلیل امام در تمام دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر حضور مردم در صحنه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و مذهبی تأکید داشتند. در اعلامیه پس از راهپیمایی اربعین، امام پیروزی انقلاب را قطعی و برنامه بعد از آن را مطرح کردند... انعکاس راهپیمایی اربعین به حدی قوی و قاطع بود که رادیوهای بیگانه (مانند رادیو مسکو، بی‌بی‌سی و آمریکا) صریحاً به شکست رژیم در مقابله با مردم، امام و انقلاب اعتراف کردند...» (نهضت عاشورا و تأثیرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن بر جامعه‌ی ایرانی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی)

اصیل اسلامی مغایرت دارد، خودداری فرمایید.»

[اعلامیه شماره ۲ کمیته تدارکات راهپیمایی، کیهان، ۲۷ دی ۵۷]

بیانیه «سازمان ملی دانشگاهیان»

«سازمان ملی دانشگاهیان ایران (دانشگاه آزاد) روز گذشته طی بیانیه‌ای تهدیدهای اخیر را در مورد آتش‌زدن و اسیدپاشی نسبت به زنان بی‌چادر محکوم کرد.»

[کیهان، ۲۷ دی ۵۷]

ممنوعیت شعارهای کمونیستی در راهپیمایی جمعه (اربعین)

از طرف جامعه روحانیت تهران، شعارهای کمونیستی در راهپیمایی جمعه منع شد...

[اطلاعیه جامعه روحانیت تهران، کیهان، ۲۸ دی ۵۷]

انحصارطلبی با هدف انقلاب ایران بیگانه است

«سازمان چریک‌های فدایی خلق در آخرین اعلامیه خود نوشته‌اند: انقلاب در انحصار هیچ گروه خاصی نیست... شعارهای اساسی این جنبش که متوجه محو سلطه امپریالیسم و دست‌نشانده‌گان‌اش است، بیان‌کننده‌ی خواست عمومی و مشترک تمامی اقشار و طبقات خلق است. آن‌ها که امروز مُبلغ انحصارطلبی در انقلاب مردم‌اند، مسلماً قادر نخواهند بود مبارزه انقلابی مردم را در مسیرهای اساسی و تاریخی‌اش به پیش برند.»

[کیهان، ۲۸ دی ۵۷]

اعلامیه‌ی زنان پیشرو: در راهپیمایی اربعین شرکت می‌کنیم

«ما زنان مبارز و پیشرو در نهضت مقدس ملی کنونی... اینک به فرمان امام خمینی، مرجع عالیقدر تشیع مبنی بر این که زن نیز مانند مرد، آزاد و حاکم بر سرنوشت خویش است، از کلیه‌ی زنان مبارز، خانه‌دار، پزشک، مهندس، دانشجو، دانش‌آموز... تقاضا می‌کنیم در روز جمعه به طرز شایسته‌ای در این تظاهرات شرکت کرده...»

[آیندگان، ۲۸ دی ۵۷]

حمله‌ی حزب‌الله به راهپیمایی چپ‌گرایان

«نزدیک ۱۰ هزار نفر دانشجو در دانشگاه علم و صنعت گرد آمدند [۲۷ دی] تا به سخنرانی چندتن از نویسندگان و محققان گوش بدهند. در این جلسه محمدتقی برومند (ب. کیوان) و محمود اعتمادزاده (م. ا. به‌آذین) سخنرانی کردند. ساعت ۵ بعدازظهر... عده‌ای نزدیک به ۵ هزار نفر که اکثرشان را جوانان تشکیل می‌دادند... از دانشگاه علم و صنعت حرکت کرده بودند، به خیابان تهران نو (جاده دماوند) رسیدند و به آرامی به‌سوی میدان شهناز حرکت کردند. این عده که چون حلقه‌های زنجیر دست‌های‌شان را به هم گرفته و زنان و دختران را در میان صف داشتند، با حمل عکس‌هایی از آیت‌الله خمینی، خسرو گل‌سرخ‌ی و خسرو روزبه حرکت می‌کردند. هنگامی که این گروه به نزدیکی میدان شهناز رسیده بود، عده‌ای که مخالف حرکت این دسته بودند از پشت و جلوی صف به راه افتادند و با دادن شعارهایی مانند حزب، فقط حزب‌الله، رهبر فقط روح‌الله، صف‌شان را به هم زدند...»

[کیهان، ۲۸ دی ۵۷]

راهپیمایی روز اربعین (جمعه ۲۹ دی)

«برخی افراد مشکوک در دسته‌های کوچک سعی کردند تظاهرات را به آشوب بکشند. این افراد در میدان ونک عکس دکتر محمد مصدق را پایین کشیدند و در مقابل دانشگاه درگیری خطرناکی ایجاد کردند. گروه‌های کوچکی که در پناه شعار حزب فقط حزب‌الله، رهبر فقط روح‌الله، حرکت می‌کردند، به صف معلمان - که با در دست داشتن عکس‌های آیت‌الله خمینی، آیت‌الله شریعتمداری، صمد بهرنگی، خسرو گل‌سرخ‌ی و خسرو روزبه حرکت می‌کردند - حمله کردند. در نتیجه چند نفر مجروح شدند. افراد مشکوک، به زنان بی‌چادر رنگ پاشیدند و سعی کردند با وانت صف معلمان را زیر بگیرند... معلمان در چند نقطه دیگر، با هجوم افراد مشکوک روبه‌رو شدند و سرانجام در خیابان خوش، قطعنامه زیر را صادر کردند:

"متأسفانه بر اثر اقدامات تفرقه‌افکنانه‌ی گروهی متعصب که با روش‌های نادرست خود به جنبش ملی ما لطمه می‌زنند از ادامه راهپیمایی ما در مسیر اصلی (خیابان شاهرضا) جلوگیری شد و ما بالاجبار حرکت خود را از مسیر دیگری ادامه دادیم."

[کیهان، ۳۰ دی ۵۷]

آیت‌الله خمینی: پوشیدن لباس‌های خلاف عفت، ممنوع خواهد بود

«زن مسلمان، چادر به سر کردن را انتخاب کرده است و این به علت آموزش اسلامی که دیده، است. در آینده زنان

آزاد خواهند بود درباره این مسئله تصمیم بگیرند. ما تنها پوشیدن لباس‌های خلاف عفت را ممنوع خواهیم کرد.»
[مصاحبه با روزنامه لبنانی «السفیر»، آیندگان، ۳۰ دی ۵۷]

صادق قطب‌زاده: مرد باید ارث بیشتری ببرد
«مرد به حکم این که وظیفه‌ی تأمین هزینه‌ی زندگی را به عهده دارد، باید ارث بیشتری ببرد.»
[کیهان، ۲ بهمن ۵۷]

آیت‌الله خمینی: شما آزادید در کارهای صحیح
«ترقی به کمالات انسانی و با اثر بودن یک زن در مملکت است، نه به این که سینما برویم که دانس برویم و این‌ها ترقیاتی است که محمدرضا برای شما درست کرد که شما را به عقب رانده که ما باید بعدها جبران کنیم. شما آزادید در کارهای صحیح: دانشگاه بروید... همه ملت آزادند در این‌ها اما اگر بخواهند کارهای خلاف عفت بکنند و یا کارهای خلاف ملت بکنند، از آنها جلوگیری می‌شود.»
[مصاحبه نوشابه امیری (خبرنگار اعزامی روزنامه کیهان به نوفل لوشاتو) با خمینی، کیهان، ۳ بهمن ۵۷]

دکتر ابراهیم یزدی: آنچه در نظام اسلامی باید رعایت شود عفت و عصمت است
«آنچه در نظام اسلامی باید رعایت شود، عفت و عصمت است. ولو این که کسی معتقد به حجاب اسلامی نباشد، باید یک اصولی را رعایت کند. این مختص زنان نیست. اسلام جلو هر نوع فساد را خواهد گرفت و در مقابل آن ایستادگی خواهد کرد؛ خواه فساد مردان و خواه فساد زنان. آنچه را که ما مخالف هستیم این است که زنان ما به صورت یک شیئی در آیند و آنچه که ما خواستاریم، آن است که زنان شخصیت انسانی خود را بیابند.»
[کیهان، ۵ بهمن ۵۷]

آیا ممکن است استبداد مذهبی جایگزین اختناق گذشته بشود؟
«من غالب اعلامیه‌ها و مصاحبه‌های حضرت خمینی را خوانده‌ام... همه می‌دانند که حضرت خمینی نقطه عطف و مظهر مبارزه ملت ایران هستند و ایشان بارها و بارها تأکید کرده‌اند که آزادی‌های فردی و اجتماعی و سیاسی را پاس خواهند داشت...»
[مصاحبه با سیمین دانشور، آیندگان، ۹ بهمن ۵۷]

کارخانه آبجوسازی شمس، کافه شکوفه نو و قلعه به آتش کشیده شدند

— «بعدازظهر دیروز در خیابان بابائیان گروه کثیری در حالی که شعارهای مذهبی می دادند به کارخانه آبجوسازی شمس حمله کردند و این کارخانه را طعمه حریق ساختند... دامنه تظاهرات و ایجاد حریق به سرعت گسترده شد و کاباره شکوفه نو را دربرگرفت.»

— «از حدود ساعت ۵ بعدازظهر دیروز در اطراف "قلعه شهرنو" به تدریج... اجتماع کثیر مردم در اطراف محله معروف روسپیان تشکیل شد. در ساعت ۶ بعدازظهر عده‌ای از جوانان به در قلعه حمله کردند و بعد جمعیت به تبعیت از آنها به خیابان‌های داخل قلعه ریختند. در این هنگام با وسایلی که از قبل تهیه شده بود، خانه‌ها و مغازه‌های داخل قلعه به آتش کشیده شد. گروهی به زنان ساکن محله حمله کردند... شاهدان عینی اظهار داشتند تعدادی از روسپیان در این وقایع مجروح و احتمالاً ۲ تا ۳ نفر کشته شده‌اند. آتش‌سوزی ساعت‌ها ادامه داشت. ماموران آتش‌نشانی پیرو اطلاعیه قبلی خود که اعلام کرده بودند از خاموش کردن آتش‌هایی که مردم نخواهند، خودداری خواهند کرد، اقدامی برای خاموش کردن این آتش‌ها صورت ندادند.»

[اطلاعات، ۱۰ بهمن ۵۷]

اطلاعیه آیت‌الله طالقانی درباره تهاجم به شهرنو

«به تحریک عمال مزدور و کثیف رژیم؛ صاحبان قمارخانه‌ها و باج‌گیرهای محل، عده‌ای از برادران معصوم و بی‌خبر مسلمان را به تهاجم به قلعه‌ی شهرنو واداشته‌اند و از این کار چه توطئه‌ی جدیدی را علیه جنبش انسانی، رهایی‌بخش و اسلامی مردم برمی‌دارند معلوم نیست...»

[اطلاعات، ۱۱ بهمن ۵۷]

جدا کردن زنان از مردان برای دیدار از آیت‌الله خمینی

«کمیته‌ی رفاه و تنظیم برنامه‌های آیت‌الله خمینی اعلام کرد مردان و زنان باید به صورت جداگانه به ملاقات امام بروند؛ به این ترتیب که صبح‌ها به آقایان و بعدازظهرها به خانم‌ها اختصاص یافته است... از حدود ساعت ۴ بعدازظهر، زن‌های چادری با التهاب و هیجان خاصی دسته‌دسته به سوی مدرسه‌ی محل اقامت امام خمینی می‌شتافتند.»

[کیهان، ۱۴ بهمن ۵۷]

هما ناطق: طرح مسئله زنان به‌طور جداگانه درست نیست

«بعدازظهر دیروز تالار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران شاهد سخنرانی هما ناطق بود. وی گفت:... زنان

همیشه در کمک به ارتجاع پیش قدم بوده‌اند... اکنون نیز با توجه به این که ممکن است عناصر ناآگاه به نام همه زنان به ضدانقلاب کمک کند، باید هشیار باشیم که مثل گذشته علیه مردان پیش رو به کار گرفته نشویم.»
[آیندگان، ۱۶ بهمن ۵۷]

ناصر تکمیل همایون از رهبران جبهه ملی: می‌خواستند زن ایرانی «عروسک فرنگی» باشد
«استبداد وابسته و ارتجاع همه جا انتشار می‌دهد که به دنبال دگرگون شدن نظام کنونی و روی کار آمدن اشخاص با ایمان و معتقد به اسلام و روحانیت، زنان در موقعیت نابهنجار قرون وسطایی قرار خواهند گرفت و "آزادی" های خود را از دست خواهند داد.»
[آیندگان، ۱۶ بهمن ۵۷]

رضا اصفهانی^۲: جمهوری اسلامی و آزادی زنان و مسئله حجاب
«در جمهوری اسلامی خانم‌هایی هم که نخواهند حجاب اسلامی را رعایت کنند، مورد اعتراض این جمهوری قرار نمی‌گیرند و آزادند که خودشان حجاب را انتخاب کنند یا نکنند. اما نباید به صورت زننده‌ای که عفت عمومی را لکه دار می‌کند بیرون بیایند...»
[کیهان، ۱۷ بهمن ۵۷]

اظهارات آیت‌الله طالقانی درباره آزادی زن
«زن را در کشورهای اسلامی به اسم آزادی به صورت کالا و مصرف‌کننده‌ی کالا درآوردند. آن مفهوم آزادی که بی‌بندوباری و وسیله‌شدن و آلت‌شدن زن برای سرمایه‌دارها و مصرف‌کننده‌ها باشد، آن را ما قبول نداریم... ما نمونه‌ی کامل از همان زن‌های صدر اسلام داشتیم مثلاً فاطمه‌زهرا دختر پیغمبر... اگر زن اسلام می‌خواهد مطابق این نمونه باشد، همان است که ما عقیده داریم. ولی اگر می‌خواهد نمونه‌ی عروسک‌های غربی باشد، این از نظر اسلام آزادی زن نیست.»
[کیهان، ۱۷ بهمن ۵۷]

^۲ رضا اصفهانی (۱۳۸۱ - ۱۳۱۴). پیش از انقلاب در حسینیه ارشاد به گفتن مسائل شرعی می‌پرداخت. همچنین چند کتاب درباره اقتصاد اسلامی نوشته بود. رضا اصفهانی پس از انقلاب در مجلس اول از حوزه تهران (ورامین) به نمایندگی رسید. مدتی هم معاون وزارت کشاورزی بود.

بیانیه مؤسسان «انجمن ملی زنان ایران»: نگران موقعیت شغلی اجتماعی زنان هستیم

«در این بیانیه که توسط گروه مؤسس، به اتفاق دکتر بصاری، سخن‌گوی انجمن به روزنامه آیندگان آورده شد، این پرسش‌ها وجود داشت: مسئله‌ی مشارکت بانوان در تمام شئون سیاسی و اجتماعی چگونه تلقی خواهد شد؟ آیا زنان از نشستن بر کرسی و کالت و وزارت و ریاست و بالاخره مدیریت محروم می‌مانند؟ آیا بانوانی که پزشک، استاد، هوانورد، افسر نیروهای مسلح شاهنشاهی، کشاورز، شیمی‌دان، فیزیک‌دان، ریاضی‌دان، موسیقی‌دان و... هستند باید به کنج خانه پناه برند؟ یا در صف جدا از برادران خود به انجام وظیفه مشغول گردند؟ مبادا در هر لحظه مرد زندگی او، طلاق‌نامه به دست‌اش دهد و یا زنی جوان‌تر را در خانه و کاشانه و فرزندان‌اش مسلط سازد... همه‌گان به یقین باید بدانند اگر زن ایرانی آزادی و تساوی حقوق را آسان به دست آورده است، آسان از چنگ نخواهد داد... برای دفاع از دستاوردها و حقوق زنان ایران و با الهام از تعالیم عالیه‌ی دین مقدس اسلام که روح آن بر همه‌ی انسان‌ها استوار است، با اتکای قانون اساسی و قوانین مملکتی تشکیل انجمن ملی زنان ایران را اعلام می‌داریم.»

[آیندگان، ۱۷ بهمن ۵۷]

بی‌بی‌سی: زنان می‌توانند رئیس‌جمهور شوند

«به نقل از رادیو بی‌بی‌سی: یکی از کسانی که در تدوین پیش‌نویس قانون اساسی جدید دست دارد، توضیح داد: برابر قانون اساسی، زن‌ها اجازه خواهند داشت هر پستی را اشغال نمایند. برای مثال می‌توانند مقام ریاست‌جمهوری را به دست آورند.»

[اطلاعات، ۱۹ بهمن ۵۷]

نورالدین کیانوری: انقلاب کنونی ایران حالتی مذهبی دارد

«انقلاب کنونی ایران حالتی مذهبی دارد؛ زیرا که در این کشور تشیع دارای ریشه‌های عمیقی است که با آرمان‌های ملی توده‌ها پیوند دارد.»

[کیهان، ۲۱ بهمن ۵۷]

آیت‌الله خمینی: هر که بگوید اعتصاب باقی بماند خائن است

«اعتصابات از روز شنبه باید شکسته بشود. نه اجازه، حکم است. بعضی شلوغ‌کارها می‌خواهند بعضی اعتصابات را حفظ کنند که نهضت را به زمین بزنند... اگر کسی دسیسه کرد و گفت که اعتصاب فلان باید باقی باشد، تودهنی باید بخورد. مردم بروند مشغول کارشان بشوند.» [کیهان، ۲۷ بهمن ۵۷]

تجلیل از زنان مبارز

«به منظور بزرگداشت روز جهانی زن و بحث و گفتگو درباره شأن زن و تجلیل از زنان مبارز و زحمتکش سراسر جهان، روز پنجشنبه ۱۷ اسفند (روز جهانی زن) در تالار فردوسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران مراسمی برپا خواهد شد.»

[کیهان، ۲۹ بهمن ۵۷]

تدارک مراسم ۸ مارس

«گروهی از زنان، مرکب از استادان، کارمندان، دانشجویان، دانش آموزان اعلام کردند اولین جلسه برای بررسی وضع زنان ایران و خواست‌های آنان و همچنین برای بزرگداشت روز جهانی زنان، در محل کتابخانه مرکزی دانشگاه پلی تکنیک تهران برگزار می‌شود.»

[کیهان، ۳ اسفند ۵۷]

اجتماع ۱۵۰ هزار نفر در دانشگاه تهران به دعوت سازمان چریک‌های فدایی خلق (۴ اسفند)

«بند هشتم در قطعنامه پایانی این گردهمایی تصریح می‌نماید که "رژیم‌های ارتجاعی گذشته زنان را که نیمی از نیروهای جامعه هستند، در وضعی بسیار نامناسب قرار داده است. باید زنان و مردان در همه‌ی زمینه‌ها و شئون اجتماعی برابر باشند و هرنوع قانونی و مقرراتی خلاف این اصل بی‌درنگ ملغی شود." قطعنامه با این جمله پایان می‌یابد: "ما هرگونه تفرقه در صفوف متحد خلق‌های ستمکش میهن را محکوم می‌کنیم و آن را توطئه‌های امپریالیزم و نوکرانش می‌شناسیم."»

[کیهان، ۵ اسفند ۵۷]

زنان مبارز تهران: روز جهانی زن را گرامی بداریم

«گروه کثیری از زنان تهران، روز هفدهم اسفند ۱۳۵۷ را که مصادف است با روز جهانی زن، برای برگزاری اجلاس ویژه و تشکیل کمیته‌های متعدد برگزیده‌اند. اولین کمیته قرار است امروز ساعت ۳ بعدازظهر در محل کتابخانه مرکزی دانشگاه پلی تکنیک تهران برگزار شود.»

[اطلاعات، ۵ اسفند ۵۷]

روز ۱۷ اسفند روز جهانی زن است و نه ۱۷ دی

«جمعیت زنان مبارز طی اطلاعیه‌هایی ۱۷ دی را که از سوی رژیم سابق، روز آزادی زن اعلام شده بود، مردود شمرده

و روز ۱۷ اسفند را که مطابق با ۸ مارس و روز جهانی آزادی زنان است، روز زن تعیین کردند.»
[اطلاعات، ۶ اسفند ۵۷]

دفتر آیت‌الله خمینی، قانون حمایت خانواده لغو می‌شود
«با انتشار یادداشتی به امضای دفتر امام خمینی از اجرای قانون حمایت خانواده در دادگاه‌های کشور پیش‌گیری شد. این یادداشت صورت پاسخ‌نامه به استفتاء یک کارمند بازنشسته وزارت دادگستری را دارد. پاسخ‌نامه چنین است:
بسم تعالی - ریاست محترم دادگاه حمایت خانواده دام‌التوفیقه
قانون حمایت از خانواده بر طبق تصویبی که شده، برخلاف شرع انور است و حضرت آیت‌الله العظمی صریحاً اعلام فرموده‌اند. بدین وسیله خواهشمند است روی قانون مزبور اقدامی نشود تا لغو آن از طریق وزارت نیز اعلام خواهد شد. - دفتر امام خمینی»
[کیهان، ۷ اسفند ۵۷]

اولین نشریه ویژه زنان (بعد از انقلاب) منتشر شد
«جمعیت بیداری زنان اولین هفته‌نامه خود (بیداری زن) را منتشر کرد.»
[کیهان، ۷ اسفند ۵۷]

نامه فریدون کیانی وکیل دادگستری در اعتراض به لغو قانون حمایت خانواده
«... طبق فتوای صادره از دفتر امام خمینی، قانون حمایت خانواده ملغی گردیده است. در بررسی متن استفتاء و فتوای زیر، این نکات قابل توجه و تعمق است: ۱- شخصی به نام ناصر زرکوب که کارمند بازنشسته‌ی وزارت دادگستری است و در حال حاضر هیچ‌گونه سمت و مقام اداری ندارد، از رهبر انقلاب ایران، امام خمینی، فتوا می‌طلبد و حال آن که فتوا خطاب به ریاست دادگاه حمایت خانواده است. بنابراین از نظر حقوقی، دادگاه‌های حمایت خانواده نمی‌توانند ملزم به رعایت این فتوا باشند... با لغو قانون حمایت خانواده، مسائل مربوط به ازدواج و طلاق و حضانت فرزند و سایر امور مربوطه، بر طبق قانون مدنی مورد رسیدگی و حل و فصل قرار خواهد گرفت. بد نیست ماده‌ی مربوط به طلاق را از قانون مدنی، در اینجا برای اطلاع همگان نقل نماییم. ماده ۱۱۳۳ - مرد می‌تواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد...»

قانون حمایت خانواده، با همه‌ی نواقص و اشکالات‌اش، حقوق ناچیزی بود که در دوران رژیم خائن و ستمگر گذشته به جامعه‌ی زن ایرانی داده شد، و حال این منصفانه و منطقی است که به جای دادن حقوق بیشتری، همین مختصر

حقوق ناقص را هم از آنان بگیریم؟! مگر رهبر انقلاب در مصاحبه‌های مکرر خود صراحتاً اعلام نکردند که "در جمهوری اسلامی حقوق زنان از آنچه که هست، اگر بیشتر نباشد کم‌تر نیست"؟! حال باید گفت، این است آن حقوقی که وعده‌اش را داده بودید؟!»

[آیندگان، ۸ اسفند ۵۷]

چگونگی حضور زنان در میدان‌های ورزش

«حسین شاه‌حسینی، سرپرست موقت سازمان ورزش اعلام کرد... طبق دستور امام خمینی ما به ورزش دختران و بانوان توجه‌ای خاص خواهیم کرد؛ چرا که معتقدیم یک ورزشکار سالم، بچه‌ی سالم تربیت خواهد کرد. امام حتی گفته‌اند که هرچه ممکن است خانم‌ها فنون تیراندازی بدانند و به تمرین‌های مرتب تیراندازی بپردازند. تنها موردی که می‌توانیم

در مورد ورزش بانوان ذکر کنیم، چگونگی حضور آنها در میادین است و این که تا آنجا که ممکن است نوع لباس پوشیدن‌شان خلاف عفت عمومی نباشد.»

[آیندگان، ۸ اسفند ۵۷]

دخترها از خدمت نظام معاف شدند

«تیمسار دکتر مدنی، وزیر دفاع ملی و رئیس دانشگاه کرمان در اجتماع استادان دانشگاه اعلام کرد: دستور دادم دخترها از خدمت نظام معاف بشوند.»

[کیهان، ۸ اسفند ۵۷]

مراسم ۸ مارس در تالار فردوسی

«جمعیت زنان مبارز با انتشار اطلاعیه‌ای خبر داده است که به منظور بزرگداشت ۱۷ اسفند، روز جهانی زن، در سالن فردوسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، در ساعت ۲/۵ بعدازظهر آغاز می‌گردد.»

[کیهان، ۹ اسفند ۵۷]

هر کجا زن‌ها ورزش کنند آن را از تیررس مردها دور نگه خواهیم داشت

«مسئولان تازه ورزش کشور (آقایان حسین شاه‌حسینی و حسین فکری)^۳ نخستین مصاحبه‌ی مطبوعاتی‌شان را برگزار کردند... آنها گفتند: ما به ورزش بانوان بیشتر از گذشته توجه خواهیم کرد. اما زن را وسیله‌ای قرار نخواهیم داد. در ورزش زنان، بی‌حیایی و گذاشتن راندوو و... زایشگاه، جایی نخواهد داشت. ما هر کجا زن‌ها ورزش کنند، آن را از تیررس مردها دور نگه خواهیم داشت. حتی دور زمین تنیس حصار خواهیم کشید. چه ایرادی دارد که مسابقه‌های بانوان را خود زن‌ها قضاوت کنند و تماشاچی نیز فقط زن‌ها باشند. شما هم اگر می‌خواهید خبر تهیه کنید، در فکر استخدام خبرنگار زن باشید.»

[آیندگان، ۹ اسفند ۵۷]

آیت‌الله خمینی: حدود اسلام را جاری می‌کنیم

«آیت‌الله خمینی پس از ورود به قم در مدرسه‌ی فضیه سخنرانی کرد. او در این سخنرانی گفت: ما مبارزه با فساد را به دایره‌ی امر به معروف و نهی از منکر که یک وزارتخانه‌ی مستقل بدون پیوستگی به دولت انجام می‌دهیم. با یک چنین وزارتخانه‌ای که تأسیس خواهد شد... مطبوعات را اصلاح می‌کنیم. سینماها را اصلاح می‌کنیم. رادیو را اصلاح می‌کنیم. تلویزیون را اصلاح می‌کنیم. تمام این‌ها باید به فرم اسلام باشد. تبلیغات، تبلیغات اسلامی است... احکام، احکام اسلامی است. حدود اسلام را جاری می‌کنیم.»

[کیهان، ۱۲ اسفند ۵۷]

اعلام پشتیبانی اتحادیه زنان حقوق‌دان ایران از دولت بازرگان

«اتحادیه زنان حقوق‌دان ایران طی نامه‌ای پشتیبانی خود را از دولت منتخب امام خمینی اعلام کرده و از دولت موقت مهندس بازرگان خواستند که محدود کردن فعالیت‌های اجتماعی زنان که به خیال رژیم سابق به منظور امتیاز دادن به جامعه روحانیت صورت می‌گرفت، متوقف گردد.»

[کیهان، ۱۰ اسفند ۵۷]

بانوان عملاً از شرکت در مسابقات ورزشی محروم می‌شوند

«همان‌طور که همه می‌دانند در میدان‌های ورزشی، پوشیدن شورت و پیراهن ورزشی اجباری است و طبق گفته‌ی حسین شاه‌حسینی، سرپرست موقت سازمان ورزش، بانوان نمی‌توانند با چنین پوششی در میدان‌ها حاضر شوند و به این

^۳ حسین شاه‌حسینی و حسین فکری از اعضای جبهه ملی بودند که پس از انقلاب، در دولت موقت، در حوزه‌های ورزشی پست‌های مدیریتی گرفتند.

ترتیب عملاً حق شرکت در مسابقه‌های رسمی و بین‌المللی را نخواهند داشت... حداقل این شهادت را داشته باشید که بگویند از این پس ورزش برای بانوان ممنوع است. (خانم اعظم ش. از والیبالیست‌های پیشین ایران)

[آیندگان، ۱۰ اسفند ۵۷]

بیانیه‌های مراسم بزرگداشت ۱۷ اسفند

– «جمعیت زنان ایران امروز با انتشار بیانیه‌ای از عموم ایرانیان دعوت کرد که برای تجلیل و بزرگداشت روز جهانی زن در مراسم این روز شرکت کنند. این مراسم در ساعت ۳ بعدازظهر روز پنجشنبه ۱۷ اسفند در دبیرستان مرجان برگزار خواهد شد و طی آن چند پیام همبستگی ایراد می‌شود و در پایان برنامه‌ی هنری اجرا خواهد شد.»

– «جمعیت زنان مبارز در اعلامیه‌ای اعلام کردند: ما در برنامه‌ی خود سعی خواهیم کرد که با در نظر گرفتن ویژگی‌های این مرحله از جنبش، وظایف خود را در گسترده‌تر کردن دامنه‌ی فعالیت‌های انقلابی زنان، به نحو دقیق‌تری انجام دهیم. مراسم این جمعیت روز ۱۷ اسفند در ساعت ۲/۵ بعدازظهر در تالار فردوسی دانشکده ادبیات برگزار خواهد شد.»

[اطلاعات، ۱۳ اسفند ۵۷]

بیانیه‌ی گروه وکلای مدافع حقوق زن درباره‌ی لغو قانون حمایت خانواده

«هنوز جامه‌ی سیاه بر تن مادران و خواهران مبارز ایرانی است و هنوز آب قبر عزیزان در خاک خفته‌ی آنان خشک نشده است که با لغو قانون حمایت خانواده، آتش غمی بس عظیم‌تر از داغ عزیزان‌شان، بر دل آنها نهاده شد... صرف نظر از این که قانون حمایت خانواده، مخالف شرع انور اسلام نیست و این موضوع به وسیله‌ی حقوقدانان اسلامی روشن شده است... این سؤال مطرح می‌شود که چرا با وجود تمام وعده‌هایی که علمای عظام در مورد آزادی زنان و مساوات حقوق آنان به زنان کشور دادند، به یکباره این چنین به قانون حمایت خانواده حمله شد... آیا این اعلام، نشانه آن نیست که متأسفانه با وجود فرمایشات و تأکیدات مکرر امام خمینی و آیت‌الله طالقانی، هنوز فکر اجحاف به حقوق زن و عدم توجه به مساوات آنان با مردان، در فکر و روح مذهبیون متعصب وجود دارد؟... در این بهار آزادی جا دارد پرسیده شود از منافع چه گروهی در مقابل منافع زنان ایرانی و کودکان آنان حمایت می‌شود؟... لغو این قانون، آن هم با آن صورت و به استناد مخالفت با شرع انور اسلام و عدم تکذیب این خبر در تمام رسانه‌های گروهی، امیدها را در خاک کرد. اگر حکومت اسلامی و یا حکومتی که بر مبنای اسلام می‌خواهد تشکیل شود، به زنان به چشم برده می‌نگرد، اگر در حکومت اسلامی مرد می‌تواند هر لحظه که اراده کند همسر خود را طلاق دهد، اگر در حکومت اسلامی مرد می‌تواند بدون اینکه عدالت او در محضر دادگاه ثابت گردد چهار همسر عقدی و لاحد و لانتخصی متعه اختیار کند، اگر در حکومت اسلامی زن باید رنج دوران بارداری، درد زایمان و بی‌خوابی‌های دوران کودکی نوزادش را تحمل

کند و بعد به صرف طلاق آن هم طلاق دل‌به‌خواهی مرد، کودک از آب و گل درآمده‌اش را دو دستی به مرد تقدیم نماید، اگر در حکومت اسلامی زن باید برای این که شغل شرافت‌مندانه‌ای داشته باشد رضایت شوهرش را داشته باشد، آن زمان این سؤال مطرح می‌شود که این حکومت تا چه اندازه حکومت عدل اسلامی است؟ این حکومت تا چه اندازه آزادی‌هایی را که نوید آن داده شده، در بر دارد؟ این حکومت تا چه اندازه مورد قبول میلیون‌ها زن و مرد روشنفکر ایرانی است؟

با توجه به آنچه گفته شد، ما مدافعین حقوق زن اعلام می‌داریم که هرچه زودتر برای جلوگیری از به زنجیر کشیده شدن زن ایرانی، لازم‌الاجرا بودن قانون حمایت خانواده که هنوز تغییر داده نشده و حداقل حقوق زن را تأمین می‌نماید، در همه‌ی رسانه‌های گروهی اعلام و به اطلاع عموم ملت برسد.»

[آیندگان، ۱۳ اسفند ۵۷]

جبهه ملی ایران: انتقاد از لغو قانون حمایت خانواده

«جبهه ملی ایران نیز در نخستین روزنامه‌ی رسمی خود، طی مقاله‌ای لغو قانون حمایت خانواده را مورد انتقاد قرار داد و در نقش سازنده‌ی زنان در تحکیم و تداوم انقلاب در این مرحله از سازندگی تأکید کرد.»

[کیهان، ۱۳ اسفند ۵۷]

انتشار متن سخنرانی ۱۳ اسفند آیت‌الله خمینی

«آیت‌الله خمینی در سخنرانی‌اش در برابر هزاران بانوی قمی گفت: قرآن کریم، انسان‌ساز است و زنان نیز انسان‌ساز. قوانین اسلام، همه به صلاح زن و مرد است. زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت کند... زنان در صدر اسلام با مردان در جنگ‌ها هم شرکت می‌کردند... ما می‌خواهیم زن به مقام والای انسانیت برسد... این‌ها می‌خواستند با زن مثل یک شیء، مثل یک چیز، مثل یک متاع رفتار کنند. ولی اسلام، زن را مثل مرد در همه‌ی شئون، همان‌طوری که مرد در همه شئون دخالت دارد... و اما مسئله‌ای که باید توجه داشته باشید این است که زمانی که می‌خواهند ازدواج کنند، از همان اول می‌توانند اختیاراتی برای خودشان قرار دهند که نه مخالف شرع باشد و نه مخالف حیثیت خودشان. مثلاً می‌توانند از اول شرط کنند که اگر چنانچه مرد فساد اخلاقی داشت و یا اگر بدرفتاری با زن کرد، زن وکیل باشد در طلاق. اسلام برای زنان، حق قرار داده است. این حق را برای زن قرار داده است. اسلام اگر محدودیتی برای زنان و مردان، قائل شده است، همه به صلاح خودشان بوده است. اسلام همان‌گونه که حق طلاق را برای مرد قرار داده است، این حق را برای زن قرار داده است که در وقت ازدواج، شرط کنند که اگر با من چه کردی و چه کردی، من وکیل باشم در طلاق و اگر این شرط را کرد، مرد دیگر نمی‌تواند او را معذول کند. اگر مرد با زنی بدرفتاری کرد،

اسلام او را منع کند و اگر گوش نکرد او را حد می‌زند و اگر گوش نکرد، مجتهد زن را طلاق می‌دهد.»
[کیهان، ۱۵ اسفند ۵۷]

آیت‌الله خمینی: در وزارتخانه اسلامی نباید زن‌های لخت بیایند
«آیت‌الله خمینی ساعت ۱۱ صبح در اجتماع علما و طلاب حضور یافت و سخنرانی کرد و گفت: شنیده‌ام وزارتخانه‌ها همان‌طور است که در زمان طاغوت بود... در وزارتخانه اسلامی نباید معصیت بشود. در وزارتخانه اسلامی نباید زن‌های لخت بیایند. زن‌ها بروند، اما با حجاب باشند. مانعی ندارد بروند کار بکنند لیکن با حجاب شرعی باشد.»
[کیهان، ۱۶ اسفند ۵۷]

اعلام بزرگداشت روز جهانی زن
«به مناسبت بزرگداشت سالروز جهانی زن، ۱۷ اسفند (۸ مارس) در سالن ورزش دانشگاه صنعتی برنامه‌های شعرخوانی و سخنرانی بر پا خواهد بود. در این برنامه یک زن کارگر، خانمی خانه‌دار، سیاوش کسرای، خانم حیدری بیگوند و... شعرخوانی و سخنرانی خواهند داشت. این برنامه ساعت ۳ بعدازظهر روز ۱۷ اسفند برگزار خواهد شد.»
[کیهان، ۱۶ اسفند ۵۷]

مدارس مختلط تهران منحل می‌شود
«علی‌اکبر سلیمی مدیرکل جدید آموزش و پرورش تهران اعلام کرد: کلیه مدارس مختلط تهران از اول سال تحصیلی آینده منحل خواهند شد.»
[اطلاعات، ۱۵ اسفند ۵۷]

وزارت امر به معروف و نهی از منکر
«احمد صدر حاج‌سیدجوادی، وزیر کشور: وظیفه‌ی این وزارتخانه آن است که افراد نامطلع و یا کسانی که آگاهی کامل از دین اسلام و روابط اجتماعی آن ندارند، راهنمایی کند و معتقدات مذهبی مردم را افزایش دهد... این وزارتخانه هرگز در اجرای وظایف خود متوسل به زور و فشار نخواهد شد.»
[اطلاعات، ۱۵ اسفند ۵۷]

برگزاری مراسم روز جهانی زن در دانشگاه صنعتی

«اجتماعی در سالن ورزش دانشگاه صنعتی تهران از طرف دانشجویان دموکرات و با همکاری گروهی دیگر از زنان در روز سه‌شنبه ۱۵ اسفند برگزار شد.»

[آیندگان، ۱۷ اسفند ۵۷]

سخنان آیت‌الله خمینی درباره‌ی اصلاح رادیو و تلویزیون و مطبوعات (۱۶ اسفند)

«امام در ملاقات با گروهی از پزشکان گفت که اغلب مراکز آموزشی کشور به وسیله‌ی رژیم به مراکز فحشا تبدیل شده بود... تمام مراکز آموزشی را این‌ها مراکز فحشا قرار دادند. سینما که یکی از مراکز آموزشی است در دنیا، رادیو تلویزیون که یکی از مراکز آموزشی است برای همه... سینماها را مراکز فحشا - تقریباً - قرار دادند. رادیوها و تبلیغات شان را دیدید چه بود. تلویزیون هم همین‌طور... الان هم آن تتمه‌ی رژیم فاسد در این‌ها هست. در مطبوعات ما هست. در روزنامه‌های ما هست... این اخلاق فاسدی که در جوان‌های ما جا کردند، هنوز تتمه‌اش هست. اما باید اصلاح بشوند... مراکز فحشا را درست کردند، به رایگان دادند. دعوت کردند و جوان‌های ما را در این مراکز از مقدرات خودشان غافل کردند.»

[کیهان، ۱۷ اسفند ۵۷]

در جمهوری اسلامی اصولاً جایی برای سقط جنین وجود ندارد (۱۶ اسفند)

«دکتر کاظم سامی، وزیر بهداشتی و بهزیستی اعلام داشت: در جمهوری اسلامی اصولاً جایی برای سقط جنین وجود ندارد و بنابر این سقط جنین در جمهوری اسلامی ممنوع خواهد بود. در رژیم گذشته هم سقط جنین مورد پذیرش قرار نگرفته بود و فقط سقط‌هایی آزاد بود که پزشکان تشخیص می‌دادند و از نظر پزشکی مجوز داشتند... اسلام به‌طور کلی با کنترل جمعیت مخالف نیست و طی فتوای مراجع تقلید در صورتی که استفاده از قرص ضدبارداری صدمات روحی و جسمی برای استفاده‌کننده در بر نداشته باشد و از طرفی باعث از بین رفتن جنین در مراحل اولیه نباشد و فقط به‌عنوان پیشگیری در امر حاملگی مورد استفاده قرار گیرد، اشکالی ندارد.»

[کیهان، ۱۷ اسفند ۵۷]

در اسلام به قدری حق به زنان داده شده که مردها باید قیام کنند

«آیت‌الله طالقانی: یکی از اصول قرآن مسئله‌ی امر به معروف و نهی از منکر است که مسئله‌ی عمومی است... البته در یک حکومت اسلامی غیر از مسئولیت تبیینی، مسئولیت اجرایی هم خواهد داشت. هنوز وزارتتی به این عنوان تشکیل نشده است. باید اساسنامه‌اش نوشته شود و اشخاصی که شایسته‌ی یک چنین وظیفه‌ی سنگینی هستند، در این وزارتخانه به کار گرفته شوند... در اسلام به قدری حق زنان داده شده که باید مردان قیام کنند و مطالبه حق نمایند. اسلام اولین

دینی است که حق مالکیت مطلق به زن‌ها داده است، یعنی زن‌ها می‌توانند هم ثروت داشته باشند و هم در ثروت‌شان تصرف کنند که این حق در دنیا نبوده و هنوز هم شاید در اروپا به این حد نباشد.

[پیغام امروز و کیهان، ۱۷ اسفند ۵۷]

مراسم روز زن در دانشکده هنرهای زیبا

«**اتحادیه انقلابی زنان مبارز** به مناسبت روز بین‌المللی زن پنجشنبه ۱۷ اسفند مراسمی در آمفی‌تئاتر دانشکده هنرهای زیبا برگزار می‌کند. این مراسم با سخنرانی و نمایشگاه عکس و فیلم روز جهانی زن آغاز می‌شود.»
[آیندگان و کیهان، ۱۶ اسفند ۵۷]

مراسم روز زن در دانشکده فنی دانشگاه تهران

«**جمعیت بیداری زن** از تمام مردان و زنان آزادی‌خواه دعوت کرده است تا در مراسم بزرگداشت روز جهانی زن، فردا (پنجشنبه ۱۷ اسفند) ساعت ۱۰ صبح در دانشکده فنی شرکت کنند. برنامه جمعیت بیداری زن شامل یک سخنرانی درباره‌ی موقعیت کنونی زنان در اجتماع و نمایش اسلاید تأثیر انقلاب سفید از نظر سیاسی - اقتصادی به روی زنان روستایی است. یکی از مادران زندانی سیاسی نیز سخنرانی می‌کند و در خاتمه عده‌ای از زنان کارگر درباره وضعیت اجتماعی خود صحبت خواهند کرد.»
[کیهان، ۱۶ اسفند ۵۷]

گردهمایی در دانشگاه صنعتی تهران (زنان طرفدار حزب توده)

«به مناسبت روز جهانی زن دیروز (۱۶ اسفند) اجتماعی در سالن ورزش دانشگاه صنعتی تهران از طرف دانشجویان دموکرات و با همکاری گروهی از زنان برگزار شد... در این اجتماع سیاهوش کسرابی شعرهایی که محتوای آن، مسئله زن بود قرائت کرد... در بیرون از سالن گروه‌هایی از زنان پلاکاردهایی با این مضمون در برابر دید مردم گرفته بودند: "در این جلسه سخنرانان کمیته تدارکاتی زنان سانسور شدند" و خواستار شرکت زنان در گردهمایی خود بودند.»
[آیندگان، ۱۷ اسفند ۵۷]

بیانیه‌ی کمیته تدارکاتی روز جهانی زن

«کمیته تدارک برگزاری روز جهانی زن در ایران دیشب (۱۶ اسفند) با انتشار بیانیه‌ای ضمن آن که جمعیت زنان دموکرات [طرفداران حزب توده] را به خودکامگی متهم کرد، از همه‌ی زنان آزادی‌خواه خواست تا با شرکت خود در مراسم امروز، بر آرمان‌های خویش پای بشارند. در این بیانیه آمده است: "کمیته تدارکاتی برای برگزاری روز

جهانی زن" و "جامعه زنان دموکرات" توافق نمودند که برای هرچه وسیع‌تر ساختن این روز مشترکاً در ساعت ۳ بعدازظهر ۱۶ اسفند در سالن ورزشی دانشگاه صنعتی گردهم آیند. هم‌چنین توافق شد که سخن‌گویان کمیته تدارکاتی و جمعیت زنان دموکرات در تریبون مشترکی سخنرانی‌های خود را ایراد کنند... شرکت بیش از ۵ هزار نفر در استادیوم دانشگاه صنعتی امکانات عظیم ناشی از اتحاد نیروهای طرفدار جنبش زنان ایرانی را نشان داد. متأسفانه در آخرین ساعات، مسئولان خودکامه جمعیت زنان توافق‌های حاصله را زیر پا گذاشتند و از سخنرانی سخنرانان کمیته تدارکاتی جلوگیری کردند... کمیته تدارک با این‌همه کماکان به سبب رسالتی که برای خود قائل است... امروز ساعت ۵ بعدازظهر در استادیوم نصیری سابق، خیابان حافظ، اعضای کمیته تدارک گردهم خواهند آمد. در این جلسه خواست‌های زنان سراسر کشور که در قلمرو حقوق کامل و مساوی اجتماعی، دستمزد مساوی در برابر کار مساوی، کنترل زنان بر بارداری، حق طلاق و بهرگیری از مهدکودک رایگان قرار دارد، مطرح خواهد شد و نیز پیرامون لغو قوانین پوسیده و ارتجاعی درباره زنان سخن خواهد رفت. هم‌چنین چشم‌انداز سازمان مستقل و مبارز زنان، سازمانی که تصمیم دارد از خط‌کشی‌های سیاسی گروه‌های مختلف به دور باشد، ترسیم خواهد شد...»

[آیندگان، ۱۷ اسفند ۵۷]

مراسم بزرگداشت روز جهانی زن در استادیوم نصیری (۱۷ اسفند)

«در این مراسم که توسط کمیته تدارک برگزار می‌شود، روز جهانی زن بر پا شده بود... پیام‌های سازمان مجاهدین خلق و سازمان چریک‌های فدایی خلق قرائت گردید... در این مراسم پیام‌های خانم سپهری (مادر چهار شهید فدایی)، خانم آذر طبری^۴ و... نیز قرائت گردید... نقطه‌نظر اساسی سخنرانان این بود که زنان آن‌قدر درک اخلاقی و انسانی دارند که در عین انتخاب آزادانه لباس، با هر نوع فساد و بی‌عفتی نیز مبارزه کنند و نبایستی، در این مورد، نوع به‌خصوصی لباس به زنان تحمیل گردد.»

[اطلاعات، ۱۹ اسفند ۵۷]

راهپیمایی‌ها و اعتراضات در روز پنجشنبه ۱۷ اسفند

«کارکنان زن هواپیمایی ملی ایران نسبت به حجاب اسلامی زنان اعتراض کردند. خانم فرزانه نظرعلی به‌عنوان نماینده کارکنان زن هما در ویلا گفت: حجاب ما زنان، پاکی ماست و دولت باید برای خانم‌ها در جهت تقویت حجاب فکری، اندیشه کند، نه حجاب ظاهری. عده‌ای ما را متهم کرده‌اند نیمه‌لخت به محل کار خود می‌رویم، حال آن‌که

^۴ آذر طبری با نام حقیقی افسانه نجم‌آبادی (متولد ۱۳۲۵)، نویسنده، پژوهشگر و از فعالان سرشناس حقوق زنان در کمیته تدارک برگزار می‌روز جهانی زن بود.

یونینفرم ما کاملاً پوشیده است.»

— «امروز گروه کثیری از دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های تهران به عنوان اعتراض نسبت به حجاب در خیابان‌های تهران دست به راهپیمایی زدند. شعار دختران دبیرستانی تهران، "حجاب ما پاکی ما" بود.»

— «صبح امروز هزارها نفر زن و مرد به منظور بزرگداشت روز جهانی زن در آمفی‌تئاتر هنرهای زیبای دانشگاه تهران و محوطه دانشگاه گردهم جمع شدند. ابتدا زنان شرکت‌کننده یک سرود دسته‌جمعی مربوط به این روز را خواندند، سپس با دادن شعارهای "اتحاد، مبارزه، آزادی" با مشت‌های گره کرده یک‌صدا به گفتن شعار "مرگ بر استبداد"، خواهان مزد مساوی در برابر کار مساوی شدند. آنگاه یک زن کارگر در مقابل جمعیت انبوهی که در آمفی‌تئاتر اجتماع کرده بودند در مورد آزادی زنان سخنرانی کرد. یکی دیگر از خانم‌ها گفت هیچ انقلاب بزرگی بدون شرکت زنان به پیروزی نخواهد رسید... سپس هزاران نفر از دختران دانش‌آموز و دانشجو و زنانی که پشت درهای دانشگاه جمع شده بودند، درحالی که به حجاب اسلامی اعتراض می‌کردند، وارد دانشگاه شدند...»

— «در سالن دانشکده فنی گروه زیادی از زنان، دختران و مردان گرد آمده بودند. یکی از خانم‌های عضو کمیته برگزاری روز جهانی زنان سخنرانی کرد، سپس یکی از زنان به نمایندگی از جانب کمیته و یک زن کارگر سخن گفت و تعدادی اسلاید درباره روز جهانی زن و نقش زنان در انقلاب‌ها نمایش داده شد... در پایان مراسم راهپیمایی زنان آغاز شد.»

— «ساعت ۱۱ صبح امروز بر تعداد زنانی که در دانشگاه حضور دارند مرتباً افزوده می‌شود و هم‌اکنون دانشگاه مملو از جمعیت است. شعار این زنان چنین است: "حجاب ما، صداقت و پاکی"، "زن آزاده حجاب فطری دارد". گروهی از مردان نیز که بیرون دانشگاه اجتماع کرده‌اند، بر علیه این گروه از زنان شعار می‌دهند: "ای زن به تو این گونه خطاب است، بهترین زینت زن حفظ حجاب است".»

— «بعد از اجتماع در دانشکده هنرهای زیبا و دانشکده فنی، کلیه زنان و دختران شرکت‌کننده، یک راهپیمایی بزرگ را از مقابل دانشگاه تهران تا میدان آزادی آغاز کردند... اجتماع عظیم امروز زنان که به طرف میدان آزادی حرکت می‌کرد، ناگهان تغییر مسیر داد و به طرف دادگستری حرکت کرد.»

[اطلاعات، ۱۷ اسفند ۵۷]

— «۱۵ هزار زن که در دانشکده فنی دانشگاه تهران جلسه سخنرانی داشتند، به دنبال یک رای‌گیری تصمیم گرفتند دست به راهپیمایی بزنند. آن‌ها در حالی که گروهی از مردان همراه‌شان بودند، به طرف نخست‌وزیری حرکت کردند. زن‌ها شعار می‌دادند: ما با استبداد مخالف‌ایم؛ چادر اجباری نمی‌خواهیم.»

[کیهان، ۱۷ اسفند ۵۷]

حرکت زنان، دور از انتظار، بی‌مانند و ستودنی (۱۷ اسفند)

«روز پنجشنبه ضدانقلابیان و فرصت‌طلبان به جان هزاران زن خشمگین افتادند که در مقابله با حجاب، به تظاهرات دست زده بودند. در دانشگاه و خیابان شاهرضا (هنوز اسم دیگری بر آن نگذاشته بودند) زنان را مورد تحقیر و آزار قرار دادند و در جاهای دیگر به کتک‌زدن آنان پرداختند... زنان که قصد داشتند در اطراف کاخ نخست‌وزیری اجتماع کنند، تا آن‌جا بارها و بارها مورد حمله و ضرب‌وشتم بی‌خبران قرار گرفتند و به آن‌جا که رسیدند، افراد تفنگ به دست که گفته می‌شود کارت کمیته داشتند، شروع به تیراندازی کردند. این عمل در ذهن بسیاری از زنان و رهگذران به عملیات نظامیانی شبیه بود که در روزهای حکومت نظامی برای پراکندن اجتماعات، شروع به تیراندازی می‌کردند. زنی می‌گفت: این نشانه آن است که دولت انقلابی هم اگر موفق نشود مردم را با تیراندازی هوایی پراکنده کند، به روی آنان آتش خواهد گشود... در بعدازظهر اتفاق‌ها تکرار شد و زجر و درد آورد. به چشم دیده شد، مردی با گفتن این‌که: به گفته‌ی خمینی، یاروسری، یاتوسری؛ آن‌چنان در فرق دختری کوفت که او بر زمین افتاد. انعکاس سخنان رهبر و آقای اشراقی^۵ بسیار بود و بسیارتر از آن، نوع برداشت‌های مردم از این سخنان.»

[تهران‌مصور، شماره ۹، ۲۵ اسفند ۵۷]

اعتراض زنان در مقابل دفتر نخست‌وزیری

«درباره تظاهرات روز پنجشنبه زنان تهران خبرگزاری پارس گزارش داد که عده‌ای از گارد انقلابی برای پراکنده ساختن حدود ۱۵ هزار زن که در بیرون دفتر مهدی بازرگان دست به اعتراض زده بودند، اقدام به تیراندازی هوایی کرد. این گروه که در زیر برف سنگین دست به تظاهرات زده بودند، در مسیر خود با حدود ۲۰۰ تظاهرکننده مخالف روبه‌رو شدند که سعی داشتند تظاهرکنندگان زن را متفرق کنند...»

[کیهان، ۱۹ اسفند ۵۷]

روز ۱۷ اسفند را یک ره‌آورد استعماری و غربی می‌دانیم

«... یک خانم مقنعه‌پوش، چهارشنبه شب (۱۶ اسفند) در پایان اخبار سیمای انقلاب اسلامی، تشکیل خلق‌الساعه "جامعه زنان انقلاب اسلامی ایران" را اعلام می‌کند و می‌گوید: این جمعیت فردا، روز ۱۷ اسفند، را یک ره‌آورد استعماری

^۵آیت‌الله اشراقی (۱۳۶۰ - ۱۳۰۴). داماد و مسئول دفتر خمینی در قم بود. بعدتر «آیت‌الله اشراقی از جانب امام مامور اجرای بخشنامه حجاب و محو آثار رژیم طاغوت در ادارات شد و با درایت و طمأنینه این کار را به انجام رساند.» (مرکز اسناد انقلاب اسلامی)

و غربی می‌داند و اعلام می‌کند که زنانی که در مراسم مربوط به این روز در دانشگاه و هرجای دیگر شرکت کنند، غیرمسلمان‌اند... پنجشنبه ۱۷ اسفند علیرغم بارش مداوم برف و سرمای شدید، محوطه دانشگاه مملو از زنان است و حتی مردان، مردانی که تشکیل خلق‌الساعه جامعه زنان اسلامی ایران و تحریم روز جهانی زن را زنگ خطری برای تحدید آزادی تلقی می‌کنند... جمعیت عظیم سرخورده از تبعیض، با خشم به طرف دادگستری رهسپار می‌شود... شعارها به راستی بیان‌گر همه‌ی اعتقادات بود: روز آزادی زن جهانی‌ست، نه شرقی‌ست نه غربی‌ست، زن آزاده ما حجاب فطری دارد... در راه هرچند عده‌ای به‌عنوان نوکران اسلام، راه را بر ما بستند ولی ما همچنان استوار و بی‌هراس به پیش می‌رفتیم و به این ترتیب بود که به نخست‌وزیری رسیدیم... در محل دیدار با سخن‌گوی دولت (امیرانتظام)، ناگهان با تعدادی خانم مواجه شدیم که پوشش سفت و سخت اسلامی داشتند... ولی هر دو گروه را آقای امیرانتظام با حسن سلوکی که خاص ایشان است، دست‌به‌سر کردند! یعنی هم محکوم کردن راهپیمایی راهپیمایان را از طرف زنان مسلمان دوآتشه پذیرفتند، هم قطعنامه زنانی را که به چشم خویشتن می‌دیدند که چگونه ابتدایی‌ترین حقوق حقه‌شان دارد پای‌مال می‌شود.»

[روایت لی‌لی سروش از راهپیمایی روز ۱۷ اسفند، آیندگان، ۲۱ اسفند ۵۷]

گزارش روزنامه اطلاعات از اجتماع زنان در دادگستری (شنبه ۱۹ اسفند)

«گروه‌های تشکیل‌دهنده این اجتماع عبارت بودند از: تعدادی از زنان وکیل عضو حقوق‌دانان، جمعیت حقوق‌دانان، کارمندان شرکت هواپیمایی ایران، دانشجویان، دانش‌آموزان، هنرجویان موسیقی، کارکنان وزارت دادگستری، عده‌ای از دبیران دبیرستان‌های تهران... شعارهایی که توسط جمعیت داده می‌شد، بدین شرح است: حجاب باید در فطرت زن باشد، می‌جنگیم، می‌جنگیم بر ضد استبداد، استقلال، مساوات، آزادی، زن و مرد کشته شدند، هر دو باید آزاد باشند... هم‌چنین جمعی از کارمندان زن و کارکنان رادیو و تلویزیون ملی ایران، در ساعت ۱۰/۳۰ صبح امروز در محل سازمان رادیو و تلویزیون، واقع در خیابان جام‌جم گرد آمدند تا به سوی کاخ دادگستری حرکت کنند و به سایر گروه‌ها پیوندند... روز جمعه (دیروز) نیز زنان برای اعلام‌نظر خود در مورد مسئله حجاب در دانشگاه گرد آمدند ولی عده‌ای علی‌رغم تأکید کمیته امام مبنی بر عدم ایجاد مزاحمت برای بانوان، درصدد پراکنده نمودن تظاهرکنندگان برآمدند... اجتماع زنان روز جمعه نخست در دانشکده فنی شروع شد و سپس به توصیه **کمیته انقلابی زنان** مبنی بر ماندن گروه‌ها در دانشگاه تا آمدن نماینده‌ای از سوی دولت، گروه زنان چند دور در محوطه دانشگاه راهپیمایی کردند اما وقتی جلو در رسیدند آن را به روی خود بسته دیدند. پس از پایان راهپیمایی، هنگام سوار شدن به اتوبوس توسط مخالفین با سنگ و گلوله برف و ضربات مشت مورد هجوم قرار گرفتند... صبح امروز گروهی از مردان که مخالف

اجتماع زنان و تحصن آنان بودند، در مقابل دادگستری اجتماع کردند...»

[اطلاعات، ۱۹ اسفند ۵۷]

گزارش روزنامه کیهان از اجتماع زنان در دادگستری (شنبه ۱۹ اسفند)

«گروه‌هایی از زنان از صبح امروز در خیابان‌های تهران دست به تظاهرات زدند و در مقابل دادگستری اجتماع کردند. این زن‌ها نسبت به خشونت‌های چند روز اخیر عده‌ای مرتجع و مشکوک نسبت به زنان بی‌حجاب اعتراض داشتند... تظاهرات در چند دبیرستان آن‌قدر بالا گرفت که مدیرکل آموزش و پرورش تهران، صبح امروز در چند دبیرستان دخترانه حضور یافت و با دانش‌آموزان در این باره صحبت کرد... هزاران زن تهرانی امروز به‌عنوان اعتراض به حجاب اجباری در کاخ دادگستری گرد آمدند و در حالی که فریاد می‌زدند "رهبر ما خمینی، مرام ما آزادی" خواستار رفع تبعیض از زنان شدند. در این اجتماع هما ناطق، استاد دانشگاه، بیانیه سازمان ملی دانشگاهیان را قرائت کرد. در این بیانیه آمده است: ما مخالف حجاب نیستیم، بلکه مخالف تحمیل آن هستیم. ما معتقدیم که تجاوز به حقوق و آزادی زنان، تجاوز به حقوق و آزادی همه‌گان است... در این اجتماع هم‌چنین به لغو قانون حمایت خانواده حمله شد و زنان شعار دادند که این قانون حداقل حقوق را به ما می‌داد... زنان در پایان اجتماع، قطعنامه‌ای ۸ ماده‌ای صادر کردند.»

[کیهان، ۱۹ اسفند ۵۷]

گزارش روزنامه آیندگان از اجتماع زنان در دادگستری (شنبه ۱۹ اسفند)

«گروه‌هایی مختلف زنان دیروز (۱۹ اسفند) ساعت ۹ در دانشگاه تهران جمع شدند. این گروه‌ها به ده‌ها هزار تن می‌رسید... که به علامت اعتراض به تحمیل حجاب دست از کار و تحصیل برداشته و در دانشگاه اجتماع کرده بودند. گروه وسیع دیگری نیز از نقاط مختلف شهر به قصد تحصن در دادگستری دست به راهپیمایی زدند... همچنین گروهی از زنان کارمند وزارت کار، ساعت ۹ صبح از محل این وزارتخانه (خیابان آینه‌هاور) به علامت اعتراض به تحمیل حجاب اجباری به طرف دانشگاه تهران حرکت کردند. چند نفر از افراد مسلح در تقاطع خیابان اسکندری - آینه‌هاور جلو این گروه را گرفتند و شروع به تیراندازی هوایی کردند... این گروه پس از ورود به دانشگاه با تعداد زیادی پرستار و زنان هواپیمایی ملی ایران در محوطه دانشگاه تهران دست به تظاهرات زدند. شعارهای آنها: استبداد به هر شکل محکوم است، وقتی که جنگ حجاب میان من و توست، پیروزی نخواهد بود، برابری برادری، نه چادر، نه روسری، ما را گلوله بستند، مردم قضاوت کنید، بود. گروه دیگری از مردان قصد برهم زدن تظاهرات آرام زنان را داشتند و شعارهای شان "یا روسری یا توسری" و "ما پیرو قرآن‌ایم، بی‌حجاب نمی‌خواهیم" بود... در ساعت یازده صبح روز

شنبه (۱۹ اسفند) هزاران نفر از زنان و دختران با شعار در طلوع آزادی، جای حرف زدن خالی ست، در امتداد خیابان شاهرضا به منظور بست نشینی به سوی کاخ دادگستری راه افتادند. این گروه در چهارراه کالج مورد هجوم دسته‌ای از مردان که به پشتیبانی از حجاب شعار می‌دادند، قرار گرفتند. در حالی که در دست برخی از مهاجمان چوب‌دست و قمه دیده می‌شد... در سهرای خیابان چرچیل چند کامیون راه بر زنان بستند. دسته‌ی زنان و دختران که در بین آنها تعداد زیادی پرستار به چشم می‌خورد، به ناگزیر وارد خیابان چرچیل شدند. در این خیابان راهپیمایان دوباره مورد هجوم واقع شدند. در همین هنگام تعداد زیادی تفنگدار به خیابان وارد شدند و تیرهای هوایی شلیک کردند. صدای زنان با این شعارها اوج گرفت: شلیک گلوله، راه‌حل شاه بود؛ توپ، تانک، استبداد، دیگر اثر ندارد... هم‌زمان با قطع تیراندازی دو روحانی که بر بالای اتومبیل‌ها ایستاده بودند، از زنان که شمارشان به ده‌هزار نفر می‌رسید، درخواست کردند که به راهپیمایی ادامه ندهند و پراکنده شوند. اما جمعیت فریاد می‌کرد: ای مردم بدانید، این است معنی آزادی... در دادگستری از ساعت ۱۰ بامداد امروز (۲۰ اسفند) هزاران نفر از دختران و زنان پایتخت در سرسرای کاخ دادگستری اجتماع کردند تا نسبت به حجاب اجباری اعتراض کنند. در این اجتماع نمایندگان زنان وزارت دارایی، هواپیمایی ملی، وزارت فرهنگ و هنر، سازمان کتاب‌های درسی، **سازمان زنان مبارز**، زنان قاضی دادگستری، وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت امور خارجه، شرکت ملی نفت... وزارت کشور، وزارت علوم، کارکنان بیمارستان‌های مختلف، زنان پلیس، کارکنان مخابرات... با در دست داشتن پلاکارت‌های مشخص‌کننده گروه آنان و شعارهای مختلف دیده می‌شدند. گزارش خبرنگاران ما حاکی است که هر ساعت، هزاران تن به تعداد این تظاهرکنندگان افزوده می‌شد به طوری که پاسداران انقلاب آنها را از سرسرای کاخ دادگستری خارج کردند... در میان این شرکت‌کنندگان زنان چادری دیده می‌شدند که هم‌گام با سایر تظاهرات‌کنندگان شعار می‌دادند و می‌گفتند همان‌طور که دین اجباری نیست، حجاب هم اجباری نیست.

زنان شرکت‌کننده در این اجتماع صبح فردا (۲۱ اسفند) در وزارت امور خارجه اجتماع خواهند کرد. همچنین بامداد روز دوشنبه از دانشگاه تهران به طرف میدان آزادی راهپیمایی آرامی خواهند داشت.»

[آیندگان، ۲۰ اسفند ۵۷]

چادر یک مسئله مذهبی نیست، یک مسئله سنتی است

«متأسفانه دست‌های مرئی و نامرئی در کار و در راه است و می‌داند که آسان‌ترین راه‌محدوش کردن چهره‌ی پاک انقلاب مردم ایران، تفرقه‌اندازی و ایجاد دلهره، ترس، اضطراب و ایجاد جنگ روانی است... خیال همه را راحت کنم که حجاب به صورت چادر، یک مسئله اسلامی نیست، یک مسئله سنتی است. اگر خواهران سنت‌گرای ما می‌خواهند

چادر به سر کنند، خود دانند و آزادند... اما بدانند که در این راه مقلد زنان دربارهایی هستند که خود با نظیرش درافتاده اند.»

[سیمین دانشور، کیهان، ۲۰ اسفند ۵۷]

سخن گوی دولت: حجاب خانم‌ها الزامی نیست

«امیرانتظام، سخن گوی دولت بازرگان در انتها افزود: البته نمایش گری و عریانی و جلفی مسئله دیگری است که مسلماً در ایران بعد از انقلاب اسلامی و در دولت‌های اسلامی نمی‌تواند جواز و پذیرش داشته باشد.»

[آیندگان، ۲۱ اسفند ۵۷]

سخنرانی هما ناطق و هدایت‌الله متین‌دفتری

«دیروز (یکشنبه ۲۰ اسفند) در تالار ورزش شماره یک دانشگاه تهران، هما ناطق و هدایت‌الله متین پیرامون مسئله زنان صحبت کردند. هما ناطق گفت: چیزی راجع به حجاب گفته شده و پس گرفته شده است. مسئله‌ای باقی نمانده است که به‌عنوان آن راهپیمایی کنیم... من معتقدم که مبارزه، زن و مرد نمی‌شناسد. به همین دلیل هم می‌گوییم که به هیچ یک از جمعیت‌های زنان بستگی ندارم... ما هم معتقدیم که رهایی زنان جدا از رهایی طبقات زحمتکش نیست و امام خمینی مدافع طبقات زحمتکش هستند. ما هرگز حجاب را محکوم نکرده‌ایم، ما با حجاب خو نگرفته‌ایم... دوستان، وقتی که در یک جامعه آزادی، برابری حقوق افراد وجود داشته باشد، زن چه احتیاجی به حمایت دارد؟ اگر ما برابریم نیازی به قانون حمایت خانواده نداریم. از آن دفاع نکنید.

دکتر هدایت‌الله متین‌دفتری نایب رئیس کانون وکلای دادگستری... به توطئه‌های عوامل بیگانه اشاره کرد و گفت: جهان امپریالیست منتظر است ببیند چه نقطه‌ضعفی می‌تواند از انقلاب ما بگیرد. در دنیا توطئه‌هایی است و می‌خواهند ما را به اشکال مختلف دچار جنگ درونی بکنند... مطلب خاصی به عنوان حقوق زن وجود ندارد و فرقی بین زن و مرد نیست... و فراموش نکنیم که آثار فرهنگی رژیم گذشته در طول یکی دو ماه اصلاح نمی‌شود و اصولاً ما احتیاج به یک انقلاب فرهنگی داریم که تمام این ظواهر را از بین ببرند.»

[آیندگان، ۲۱ اسفند ۵۷]

گردهمایی زنان در برابر ساختمان رادیو تلویزیون

«به دنبال اعتراض و تظاهرات زنان در چند روز گذشته، دیروز گروهی از زنان مقابل ساختمان تلویزیون (جام‌جم) دست به تظاهرات زدند. این گروه که اکثر دانش‌آموز و چند تن از کارمندان رادیو تلویزیون بودند، می‌گفتند ما در تظاهرات خود در مقابل دادگستری به تلویزیون اخطار داده بودیم که اگر فیلم تظاهرات زنان را نمایش ندهند، در

رادیو تلویزیون تظاهرات و تحصن خواهیم کرد. آنها اظهار داشتند که در فیلم پریشب فقط قسمت کوتاهی که شعار "درود بر خمینی، سلام بر آزادی" بود، پخش کردند.

[آیندگان، ۲۱ اسفند ۵۷]

نظر همسران وزرا درباره حجاب

— «خانم فروهر، همسر وزیر کار: من اصلاً معتقد نیستم که این روزها این مسائل فرعی مطرح بشود. می‌بایست بزرگواری نشان داد و گذاشت برای زمان دیگری... واقعاً مگر مرد ایرانی چیزی داشته و دارد که حالا مسئله‌ی زن را طرح کنیم... بعد بزرگ کردنش، بعد جنجال راه انداختن به دنبالش... الان به خودمان به عنوان یک موجود فکر نکنیم. به مملکت‌مون که در خطر فکر کنیم. زن ایرانی پیوسته نجیب بوده و حالا هم نجیب است و حجاب مفهوم‌اش همین است.»

— «خانم امیرانتظام، همسر معاون نخست‌وزیر: فرض کنم که حجاب به آن معنا که خانم‌های به حساب ایرانی ما هیاهو راجع بهش راه انداختن، اون‌طوری گفته نشده. حجاب چادر نیست فقط پوشیده بودن است. پوشیدن یعنی آستین بلند، یقه‌ی کیپ، لباس‌هایی که بدن‌نما نباشد. روسری هم هیچ اجباری نیست. شما می‌توانید لباس خیلی ساده و شیک و پوشیده بپوشید ولی بدون روسری. ولی من شخصا با چادر مخالف‌ام.»

— «خانم مبشری، همسر وزیر دادگستری: والله نظر من در مورد حجاب این است که به‌طور کلی این مسئله، الان مسئله‌ی امروز ما نیست. و معتقدم مسئله حجاب مسئله‌ای است که با فرهنگ ما مربوط است... خودم نه روسری سرم می‌کنم نه چادر، متنها واقعاً همیشه کوشش کردم که کسانی که اطرافم هستند و خودم، این را رعایت کنند که به هر حال به عنوان یک زن سادگی را رعایت کنند... ما متأسفیم از این که اصلاً چنین درگیری به وجود آمده برای این که متأسفانه یک عده‌ای هم هستند، که البته تعدادشان هم کم است، یعنی طرفداران قانون اساسی. به هر حال این‌ها هم قاطی این جریان می‌شوند و یک عده هم ناآگاه‌اند و تحت‌تأثیر مسایل خیلی ساده ممکنه قرار بگیرند... من معتقدم که در پوشیدن لباس تا آن‌جا که به فرهنگ انقلابی ما لطمه نزنند، هر انسانی باید آزاد باشد. اما بسیار مخالف آرایش و زینت‌آلات هستم.»

— «خانم نزیه، همسر مدیرعامل شرکت نفت: من حجاب را به معنی این که چادر چاق‌چور بپوشم، قبول ندارم. ولی با اون حجابی که یک مقداری محفوظ باشم موافق‌ام.»

— «خانم صدر حاج‌سیدجوادی، همسر وزیر کشور: به عقیده من همه باید آزادی داشته باشند. هرکسی دوست دارد حجاب داشته باشد، هرکسی دوست ندارد، نداشته باشد. من خودم البته... تازگی روسری سر می‌کنم.»

— «کتیرائی وزیر مسکن در تماس تلفنی آیندگان با منزل‌اش اجازه نداد خبرنگار ما با خانم‌اش صحبت کند: خانم ما

با حجاب‌اند و با حجاب هم می‌آن بیرون. بنابر این نظرش هم خیلی ساده است، می‌گه من طرفدار حجاب‌ام.»
[آیندگان، ۲۰ اسفند ۵۷]

طالقانی: اسلام، قرآن و مراجع دینی، می‌خواهند زنان ما شخصیت‌شان حفظ شود

«آیت‌الله طالقانی گفت: مسلماً نظر امام هم به مصلحت زنان ما و خواهران و دختران ماست و هم مطابق با موازین اصول دین مبین اسلام است... اگر بخواهیم مسئله حجاب را از جهت اسلامی و ملی بحث کنیم یک مسئله سنتی و تاریخی است که در عمق تاریخ ما و تاریخ شرق همیشگی زن‌های ما دارای یک نوع حجاب بوده‌اند. حجاب به معنای عام‌اش و نه مخصوص به چادر و وضع خاص... اشتباه می‌کنند خانم‌های ما، که اگر یک روسری روی سرشان بگذارند، این‌ها از حیثیت آن‌ها کم خواهد شد و از شخصیت‌شان کاسته خواهد شد... متأسفانه این نحوه بی‌حجابی که در این سالیان، سالیانی که از زمان رضاشاه تا به حال پیش آمده، بر اکثر زن‌های مسلمان ما تحمیل شده است. این را باید بدانند ما نمی‌خواهیم بگوییم که زنان به ادارات نروند و هیچ‌کس هم نمی‌گوید... این روح انقلابی در بین زن‌های ما باید حفظ بشود و این منوط به این است که زن‌های ما به آن تجمل‌پرستی‌ها و به آن ابتذال‌هایی که کشانده شده بودند، برنگردند... می‌دانیم خطری که خانم‌ها حس می‌کنند، خیال می‌کنند که گفته امام خمینی یا علمای دین این است که این‌ها توی خانه‌های‌شان بروند و توسری خور باشند و مهجور بمانند ولی خطری که ما حس می‌کنیم این است که آن‌ها را دوباره به ابتذال بکشانند...»

[آیندگان، ۲۰ اسفند ۵۷]

زنان اداری آبادان خواستار آزادی لباس شدند

«روز گذشته گروهی از بانوان شاغل در اداره‌های آبادان مقابل دادگستری این شهر اجتماع کردند و خواستار آزادی زنان در پوشیدن لباس شدند...»

[آیندگان، ۲۰ اسفند ۵۷]

روگیری، زاییده سلطه‌ی مرد بر زن است

«علیرضا افشارنیا، استاد دانشکده علم و صنعت و نویسنده کتاب "زن و رهایی نیروهای تولید"، در این مقاله‌ی تحقیقی به حجاب و تاریخچه‌ی آن پرداخته است.»

[آیندگان، ۲۱ اسفند ۵۷]

اعلامیه سازمان مجاهدین خلق: پیرامون حجاب جنجال بی جهت نکنید

«سازمان مجاهدین خلق در اعلامیه‌ی خود پیرامون مسئله حجاب گفته است: ... در شرایطی که نهادهای اساسی امپریالیستی در جامعه ما ریشه کن نشده و بالمال موجودیت انقلاب هنوز در تهدید است، تنها و تنها با اصلی و فرعی کردن مشکلات و اجتناب از خرده کاری... و از میان برداشتن پایگاه داخلی امپریالیسم می‌توان نسیم‌های سمی را به نسیم دلپذیر و مستمر آزادی تبدیل کرد. بنابراین دنبال‌گیری مسایلی که در شرایط کنونی از مسایل اصلی جامعه و جنبش ما نمی‌باشند، به هرنحوی که باشد، موجب "انحراف" از مسیر و به "بی‌راهه" رفتن نیروها و انرژی‌ها شده و فرصت‌ها و زمینه‌هایی برای "توطئه‌ها" و تحریکات ضدانقلاب فراهم خواهد نمود، و از آن جمله است درگیری‌هایی که این روزها در مورد مسئله حجاب ایجاد شده است.»

[اطلاعات، ۲۳ اسفند ۵۷]

«جمعیت زنان مبارز»: حادثه‌ی جام‌جم را محکوم می‌کنیم

«جمعیت زنان مبارز» درباره‌ی حمله به اتومبیل قطب‌زاده در جام‌جم، اطلاعیه‌ای به این شرح داده است: ما اگرچه از مبارزات به حق زنان زحمتکش مان، به خصوص در چند روز گذشته، پشتیبانی بی‌دریغ می‌نماییم ولی با هرگونه حوادثی نظیر آنچه در جام‌جم اتفاق افتاده، مخالفت کرده و آن را محکوم می‌کنیم...»

[آیندگان، ۲۳ اسفند ۵۷]

گردهمایی زنان طرفدار حجاب اسلامی

«خانم‌های طرفدار حجاب اسلامی طی اطلاعیه‌ای، زنان مسلمان تهران را برای شرکت در یک گردهمایی... به منظور دفاع از حجاب اسلامی و هم‌چنین به خاطر تأیید و تقدیر از تلاش‌های خستگی‌ناپذیر آقای قطب‌زاده، منتخب امام، در برابر عناصر ناآگاه و عوامل ضدانقلاب در روز جمعه ۲۵ اسفند، از ساعت ۲ بعدازظهر در خیابان جام‌جم، دعوت کردند.»

[اطلاعات، ۲۳ اسفند ۵۷]

سازمان چریک‌های فدایی خلق: باید مجازات شوند

«باید همه‌ی مرتجعانی که یک روز به ستاد سازمان‌های سیاسی حمله می‌کنند، یک روز عکس‌های شهدای خلق را پاره می‌نمایند، و روز دیگر با شعار یا روسری یا توسری، به زنان حمله می‌کنند، بی‌درنگ مجازات شوند.»

[نشریه «کار»، شماره ۲، ۲۴ اسفند ۵۷، ص ۲]

سازمان چریک‌های فدایی خلق: آزادی زنان جدا از آزادی مردان نیست

«جامعه به دو بخش زن و مرد یا زن باحجاب و بی‌حجاب تقسیم نمی‌شود، بلکه به دو طبقه استثمارگر و استثمارشونده تقسیم می‌شود. رهایی و آزادی زن نیز مانند کلیه زحمتکشان، در رهایی از طبقه استثمارگر است، در مبارزه طبقاتی است.»

[نشریه «کار»، شماره ۲، ۲۴ اسفند ۵۷، ص ۶]

سازمان چریک‌های فدایی خلق: مصاحبه با یک زن کارگر درمورد مسئله‌ی حجاب

«مصاحبه با یک زن کارگر... س - آیا با تظاهرات خانم‌ها علیه حجاب موافق هستید؟ ج - خیر. من نه با عنوان کردن مسئله حجاب موافق بودم و نه با تظاهرات علیه آن. من فکر می‌کنم ما مسایل خیلی مهم‌تری داریم که باید به فکر آن باشیم. من خود با چادر و حجاب مخالفم چون کارم طوری است که نمی‌توانم با حجاب باشم.»

[نشریه «کار»، شماره ۲، ۲۴ اسفند ۵۷، ص ۷]

نورعلی تابنده^۶: طرفداران رژیم طاغوتی از عواطف زنان سوءاستفاده کردند

«۸ مارس از محیط کشورهای غربی اقتباس شده که باز هم «بب»^۷ و لیز تایلور و امثال آنهاست... برای تحریک اذهان جوانان و بانوان، می‌گویند که نباید هیچ تحمیلی را تحمل کرد. در هیچ جای دنیا افراد حق ندارند نیمه‌عریان به خیابان بیایند... بانوان ایرانی باید نشان دهند که با آن زن - عروسک که در سال‌های گذشته از او ساخته بودند فرق دارند.»

[اطلاعات، ۲۷ اسفند ۵۷]

نورعلی تابنده (۱۳۹۸ - ۱۳۰۶). وکیل و حقوق‌دان. پس از انقلاب ۵۷، در کابینه دولت موقت، مدتی معاون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، و مدیر سازمان حج و زیارت و معاون وزارت دادگستری بود. در سال ۱۳۷۵ پس از فوت علی تابنده (محبوب علیشاه)، وی در کنار تحصیل علوم دینی و دانشگاهی و تحقیق و تألیف، در سال ۱۳۳۱ شمسی توسط پدرش وارد عرصه‌ی عرفان شد. پس از درگذشت قطب وقت سلسله، علی تابنده ملقب به محبوب علیشاه در ۲۷ دی ماه ۱۳۷۵ به مقام جانشینی او رسید و با لقب طریقتی «مجدوب علیشاه»، قطب سلسله‌ی نعمت‌اللهی سلطان‌علیشاهی دراویش گنابادی شد. نورعلی تابنده پس از اعتراضات گلستان هفتم (خیابان پاسداران) از اول اسفند ۱۳۹۶ در حصر خانگی به سر برد و در سوم دی ۱۳۹۸ درگذشت. (ویکی‌پدیا)

^۷ به احتمال منظور سینما «بب» است که در زمان پهلوی فیلم‌های بزرگ‌سال (۱۸+) به اکران می‌گذاشت.

اعلام رسمی روز زن

«حزب جمهوری اسلامی روز ولادت دختر پیامبر (۲۰ جمادی‌الثانی، مطابق با ۲۷ اردیبهشت ۵۸) را به عنوان روز زن اعلام می‌کند و مراسم ویژه‌ای در بزرگداشت این نمودار کامل زن مسلمان و تجلیل از مقام زن و مبارزات دلاورانه آنها برگزار می‌نماید که برنامه آن بعداً به اطلاع عموم خواهد رسید.»

[اطلاعیه حزب جمهوری اسلامی، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۸]

* سازمان‌ها و تشکل‌های زنان

۱- کمیته ایجاد جمعیت بیداری زنان

«در اواسط دی ماه ۱۳۵۷ به وسیله برخی از زنان آزادی‌خواه تشکیل شد. این کمیته، نشریه‌ی هفتگی «بیداری زن» را منتشر می‌کند و چنان که از ۶ شماره آن پیداست، نظر چندان مساعدی نسبت به دولت فعلی ندارد. در دومین شماره این نشریه، در مورد اهداف «کمیته» چنین نوشته شده است: «هدف کمیته ایجاد جمعیت بیداری زنان، ایجاد تشکیلات سرتاسری زنان ایران است. تشکیلاتی که از نظر شکل، دموکراتیک، مستقل از احزاب سیاسی و در برگیرنده‌ی وسیع‌ترین زنان باشد.» به توضیح این جمعیت، دعوت این کمیته برای اتحاد زنان شامل آن دسته از زنانی نمی‌شود که به جای دنبال کردن یک خط‌مشی انقلابی، دنبال آزادی بی‌بندوبار و عقب‌مانده‌ی جوامع سرمایه‌داری اروپا و آمریکا هستند.» (آیندگان، ۵ خرداد ۱۳۵۸)

«کمیته‌ی ایجاد جمعیت بیداری زنان ایران از اوایل اسفند ۵۷ شروع به عضوگیری کرد و در نشستی ضمن تشریح دیدگاه‌های خود، یادآور شد که «هدف اصلی جمعیت، اشاعه اندیشه‌ی آزادی و برابری در میان زنان به ویژه قشرهای تنگدست جامعه است.» (کیهان، ۹ اسفند ۱۳۵۷)

زهره خیام از فعالین «کنفدراسیون دانشجویان ایرانی» در خارج کشور، در مصاحبه با مهناز متین، خاطرات خود از روزهای اول بازگشت به کشور در بهمن ۵۷ را چنین روایت کرده است: «یکی از کسان دیگری که در دانشگاه تهران دیدم (قبل از ۸ مارس)، شهلا شعشعانی بود. او را از آمریکا می‌شناختم. از زنان فعال دانشجویی بود و از اعضای اتحادیه کمونیست‌ها. شهلا پشت میز تبلیغات گروه‌شان ایستاده بود. یادم هست که برای ۸ مارس تبلیغ می‌کرد. رفتم سر میزشان و درباره برنامه‌شان سوال کردم. گفت: بیا کمک کن! پرسیدم: در هسته‌ی برنامه‌ریزی چه کسانی هستند و آیا می‌شود به این حلقه ملحق شد یا نه؟ گفت: نه! ترکیب این هسته از پیش تعیین شده... همان‌جا برای ام‌مسجل شد که جمعیت بیداری زنان یک جریان وابسته و در واقع شاخه‌ی زنان بخش منشعب از اتحادیه‌ی کمونیست‌های ایران است.»

مهناز متین در همین رابطه توضیح می‌دهد: «در جریان انقلاب نخستین سازمان‌هایی که اعلام موجودیت نمودند، «جمعیت بیداری زن» و «جمعیت زنان مبارز» بودند که هر دو برای برگزاری سال‌روز هشتم مارس اعلام برنامه کردند. هر یک از این سازمان‌ها به یکی از بخش‌های اتحادیه کمونیست‌ها که در آن زمان جدیداً انشعاب کرده بودند، وابستگی داشتند.»

در روزنامه‌ی آیندگان به تاریخ ۲۴ اسفند ۵۷، اطلاعیه‌ای از سوی جمعیت بیداری زنان منتشر شد که در آن آمده بود:

«کسانی حجاب برای‌شان موضوع عمده است که در سایر زمینه‌ها خواست چندانی ندارند و هشدار ما به نیروهای مترقی و مبارز زنان همین است که در شما اگر موضوع حجاب را بی‌جهت به موضوع عمده مبدل کنید، راه را برای نفوذ زنان هوادار قانون اساسی و هوراکشان ششم بهمن‌ها باز خواهید کرد... کمیته ایجاد جمعیت بیداری زنان به هیچ وجه به‌طور متشکل در تظاهرات و راهپیمایی‌های بعد از ۱۷ اسفند که عمدتاً در اعتراض به اجباری نمودن حجاب ترتیب داده شد، شرکت نمودیم و نماینده‌ی جمعیت در سخنرانی روز دوشنبه‌ی دانشگاه نظر ما را مبنی بر ناصحیح بودن راهپیمایی بیان نمود.» (به احتمال منظور از سخنران و نماینده‌ی مذکور، خانم شهلا شعشعانی است.)

ژاله بهروزی و شهلا شعشعانی از بنیان‌گذاران جمعیت بیداری زنان بود.

۲- اتحادیه انقلابی زنان مبارز:

این سازمان در ۳ بهمن ۵۷ با برپایی راهپیمایی از جلو محوطه‌ی دانشکده فنی دانشگاه تهران اعلام موجودیت کرد. مه‌ری جعفری یکی از موسسان اتحادیه انقلابی زنان بود. مه‌ری جعفری از سال ۵۰ همراه با سازمان توفان فعالیت سیاسی را آغاز کرده بود. پس از انشعاب سال ۵۶ در سازمان توفان، مه‌ری جعفری برای کمیته مرکزی یکی از بخش‌های جداشده (حزب کمونیست کارگران و دهقانان) انتخاب شد. به گفته خانم جعفری، اتحادیه انقلابی در اوج فعالیتش ۸۰ تا ۸۵ نفر در تهران و ۳۵ تا ۴۰ نفر در شهرستان‌ها عضو داشت. «اتحادیه انقلابی زنان» از جمله سازمان‌های بود که رفرا‌ندوم جمهوری اسلامی را تحریم کردند.

روزنامه‌ی کیهان راهپیمایی و اعلام موجودیت این اتحادیه را چنین گزارش کرد: «اتحادیه انقلابی زنان مبارز با برپایی راهپیمایی دیروز از جلو محوطه دانشکده فنی دانشگاه تهران موجودیت خود را اعلام کرد... در قسمتی از بیانیه شماره یک آن آمده است: ما خواهان برقراری حکومتی هستیم که بر پایه‌ی برابری واقعی انسان‌ها، اعم از زن و مرد باشد... زیرا ایمان داریم آزادی کامل زنان تنها در جامعه‌ی آزاد از هرگونه بردگی امکان‌پذیر است. آزادی زنان از آزادی مردان جدا نیست.» (کیهان، ۴ بهمن ۱۳۵۷)

ارگان این اتحادیه روزنامه‌ی «سپیده سرخ» بود و جمع هدایت‌کننده آن، طرفداران «حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران» (توفان) بودند. مریم یکی از مسئولین اتحادیه در ژانویه ۱۹۹۷ در مصاحبه‌ای می‌گوید: «ما به جنبش مستقل زنان اعتقاد داشتیم ولی با دیدی انتقادی! یعنی فکر می‌کردیم که گروه‌های چپ باید در آن‌ها نفوذ کنند و ایده‌های سوسیالیستی را به داخل ببرند... به طور کلی نظر خوبی در مورد ایده‌های فمینیستی وجود نداشت. هر نوع برخورد به مسئله‌ی رابطه زن و مرد هم به عنوان ایده‌های فمینیستی محکوم می‌شد. با انشعابی که در سال ۱۳۵۹ در «توفان» پیش آمد، بخش زنان گرایش راست پیدا کرد...»

۳- کمیته تدارک برگزاری روز جهانی زن

رهبری این کمیته با زنان تروتسکیست وابسته به حزب کارگران سوسیالیست بود که به تازگی به ایران بازگشته بودند. روز ۲۸ بهمن ۵۷ این کمیته فراخوانی برای بزرگداشت روز زن صادر کرد. و طی آن خواست‌های زنان را چنین برشمرد: «مزد مساوی در مقابل کار مساوی، مهدکودک رایگان برای همه، لغو قوانین پوشیده و ارتجاعی که حق تصمیم‌گیری در مورد زندگی و سرنوشت زنان را در اختیار دیگران قرار می‌دهد، حق تشکل سازمان مستقل و مبارز...» (نشریه «چه باید کرد»، شماره ۳، ۸ اسفند ۵۷)

همچنین «کمیته تدارک...» با «جمعیت زنان دموکرات» (طرفداران حزب توده) برای برگزاری برنامه‌ای مشترک در روز ۱۶ اسفند، در سالن ورزشی دانشگاه صنعتی، توافق کرده بود ولی هنگام اجرای برنامه، زنان دموکرات از سخنرانی اعضای کمیته تدارک جلوگیری کردند. (شرح این ماجرا پیش از این آمد)

حضور خبرنگاران و فمینیست‌های خارجی، از جمله کیت میل و هیئت فرانسوی کمیته بین‌المللی حق زنان نتیجه‌ی دعوت همین زنان تروتسکیست بود که در پخش خبر و تصاویر خیزش زنان بر علیه حجاب اجباری در سطح جهانی نقش مهمی داشتند.

این کمیته بعداً به «کمیته دفاع از حقوق زنان» تغییر نام داد.

۴- جمعیت زنان مبارز

این جمعیت که در اوایل اسفند ۵۷ طی اعلامیه‌ای موجودیت خود را اعلام کرده است، نشریه‌ای به نام «زن مبارز» منتشر می‌کند. در اولین شماره این نشریه، به تاریخ ۱۵ اسفند ۵۷، آمده است: «جنبش زنان بایستی با دشمنان انقلاب ایران - یعنی تمامی امپریالیست‌ها و ارتجاع جهانی - و در راس آن، دو ابرقدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی مرزبندی داشته باشد.» (روزنامه آیندگان، ۳ خرداد ۱۳۵۸)

همچنین در این اعلامیه آمده است: «این جمعیت سازمانی است دموکراتیک و همگیر که کلیه‌ی زنان هم‌وطن، جدا از مرام، مسلک و جهان‌بینی خاص خویش، می‌توانند در آن فعالیت کنند.» (اطلاعات، ۶ اسفند ۱۳۵۷)

«جمعیت زنان مبارز» به مناسبت روز جهانی زن (۱۷ اسفند) میتینگی در تالار فردوسی دانشگاه تهران برگزار کردند. در میانه‌ی برنامه زمانی که تعدادی از زنانی که در تظاهرات و اعتراضات خودجوش زنان در مقابل نخست‌وزیری و سپس در مقابل دانشگاه تهران شرکت کرده بودند، وارد سالن شدند و از برگزارکنندگان مراسم درخواست کردند تا برای حاضرین از اتفاقات و حوادث آن روز صحبت کنند. جالب این که مسئولین «جمعیت زنان مبارز» که سخنرانان شان همان زمان در حال مرور تاریخچه‌ی ۸ مارس و مبارزات حق‌طلبانه‌ی زنان بودند، اجازه‌ی صحبت به زنانی که همان لحظه از «میدان مبارزه» آمده بودند، ندادند و تربیون را در اختیار آنان نگذاشتند!

مریم جزایری و گلنار بدخشان از بنیان‌گذاران جمعیت زنان مبارز بودند. در همین رابطه مریم جزایری در مصاحبه با ناصر مهاجر می‌گوید: «من در آذر ۱۳۵۷ و کمی پیش از حکومت نظامی ژنرال اژه‌اری به ایران برگشتم، در چارچوب طرح و برنامه‌ی اتحادیه کمونیست‌های ایران... اواخر بهمن ۵۷ برای ایجاد جمعیت زنان مبارز با جریان‌های گوناگونی تماس گرفته شد.»

این دعوت با استقبال گروه‌ها و سازمان‌های دیگر روبه‌رو نشد.

۵- جمعیت زنان ایران:

این گروه که در ظاهر مستقل ولی در حقیقت بخش زنان «حزب رنجبران» بود، نشریه «۱۷ شهریور» را منتشر می‌کرد و هدف خود را مبارزه برای حفظ استقلال کشور و قطع نفوذ دخالت امپریالیست‌ها، وضع قوانین منصفانه، مزد مساوی در برابر کار مساوی و... می‌دانست. این جمعیت در روز ۱۷ اسفند در دبیرستان مرجان تهران مراسمی برگزار کرد که گزارش آن در روزنامه آیندگان مورخ ۱۹ اسفند منتشر شد: «در این مراسم مادران تقی سلیمانی و هوشمند خامنه‌ای، خواهر معصومه طوافچیان و فریده گرمان سخنرانی کردند. همچنین اولین شماره نشریه «۱۷ شهریور» به عنوان ارگان این جمعیت منتشر شد و جمعیت پیشنهاد داده است که روز ۱۷ شهریور به عنوان روز ملی زنان ایران شناخته شود.»

در توضیح علت انتخاب نام نشریه گفته می‌شد: ... چون ۸ مارس به عنوان روز زن از جانب روحانیت ملغی اعلام شد... ۱۷ شهریور را که رابطه‌ی مشخصی با مسئله زنان ندارد، روز زن نامیده و روزنامه‌ی خود را به این اسم انتشار دادند.

فیروزه وزیری سردبیر نشریه و فریده گرمان - همسر محسن رضوانی (از رهبران حزب رنجبران) - مسئول جمعیت زنان ایران بود که بعد از دستگیری توابع و سپس آزاد شد. ترانه لطفعلیان از دیگر مسئولین جمعیت زنان بود که در بخش حقوقی فعالیت داشت و به پیگیری دادخواهی زنان قربانی خشونت خانگی می‌پرداخت. خانم لطفعلیان در سال ۱۳۶۰ به همراه همسرش اعدام شد.

در اولین شماره نشریه «رنجبر» می‌خوانیم: «روز جمعه گذشته [۲۵ اسفند ۵۷] بیش از یک میلیون نفر از مردم مبارز و میهن‌پرست تهران دست به تظاهرات پرشکوهی در پشتیبانی از جمهوری اسلامی، تأیید حجاب و مدیریت رادیو و تلویزیون زدند... تظاهرات عظیم روز جمعه مشت محکمی بود به دهان اخلاص‌گران...»

۶- اتحاد ملی زنان:

«این اتحادیه روز ۸ فروردین ۱۳۵۸ با انتشار منشور خود و اعلام عدم شرکت در فراندوم جمهوری اسلامی به علت غیردموکراتیک بودن آن، اعلام موجودیت کرد. به نظر این اتحادیه جامعه به دو بخش زن و مرد تقسیم نشده بلکه از دو بخش استثمارکننده و استثمارشونده تشکیل یافته و در نتیجه رهایی زنان در گرو رهایی ملت، برانداختن استثمار و

ریشه کن کردن استعمار است... اتحاد ملی زنان در رابطه با جمعیت‌های زنان، با هیچ‌یک از گروه‌ها و سازمان‌هایی که موضع سیاسی خود را به صراحت اعلام نداشته‌اند و یا با سازمان‌هایی که زنان را در مقابل نیروهای مبارز قرار می‌دهند و یا با گروه‌های ارتجاعی که در مواقع حساس زنان را در جهت مسایل انحرافی و فرعی بسیج می‌کنند، همگام نخواهد بود.» (روزنامه آیندگان، ۵ خرداد ۵۸)

«در میان سازمان‌های زنان، «اتحاد ملی زنان» به دلیل وسعتش، جایگاه ویژه‌ای دارد. این سازمان در زمستان ۵۷ پایه‌گذاری شد و پس از تدوین منشور، موجودیت خود را در فروردین ۵۸ اعلام کرد. اکثریت اعضا از هواداران سازمان چریک‌های فدایی خلق بودند و نیز تعداد زیادی افراد منفرد، غیرسیاسی و یا هواداران سایر گروه‌ها نظیر «اتحاد چپ» و خط ۳. در منشور تأکید شده بود که «اتحاد ملی زنان» سازمانی است دموکراتیک که به هیچ حزب، گروه و یا دسته‌ای وابسته نیست و با هدف دفاع از دستاوردهای انقلاب، حاکمیت ملی و دفاع از منافع زنان زحمتکش و متوسط جامعه ایران بر پایه‌ی اصل برابری زن و مرد تشکیل شده است. موضع «اتحاد ملی» در مورد تظاهرات ضدحجاب اجباری همگون نبود و در برخورد به این جریان، دو نظر در مقابل هم قرار گرفتند. نظری مبتنی بر این که علیرغم پایین بودن سطح آگاهی توده‌های وسیع و توهم آن‌ها نسبت به خمینی، باید از این حرکت اعتراضی حمایت همه‌جانبه‌ای صورت می‌گرفت و دوم نظر رایج در میان چپ مبنی بر این که به علت فرعی بودن مسئله و با توجه به این که حجاب مسئله‌ی زنان مرفه است نباید این گونه حرکات مورد تأیید قرار گیرند... در جریان اعتراض به حجاب اجباری شعارهای ضدیت با فدایی از سوی حزب‌الله مطرح شد و سازمان فدایی را واداشت برخورد جدی‌تری به مسئله کند و به همین جهت از یکی از هواداران خود خواست که در دادگستری حاضر شود و در مورد حجاب برای زنان سخنرانی کند تا حرکت آن‌ها مهار گردد و به ضرر سازمان تمام نشود...» («اتحاد ملی زنان»، ثریا.ر)

«اولین موضع‌گیری «اتحاد ملی زنان» در مقابل قدرت حاکم، اعلام حمایت از کاندیداتوری آیت‌الله طالقانی در انتخابات ریاست جمهوری بود. این موضع‌گیری باعث برخورد شدیدی بین اعضا شد، چرا که عده‌ای معتقد بودند یک سازمان زنان نباید از آخوندی حمایت کند که دو زن دارد. اتحاد ملی زنان اگرچه هدف انقلاب را آزادی و استقلال اعلام می‌کرد، اما درک‌اش از آزادی و دموکراسی فاقد عمق کافی بود، چرا که: «آرایش کردن و لباس پوشیدن را در محدوده‌ی آزادی‌های فردی نمی‌دانست و معتقد بود زنان مبارز ایران باید با طرد فرهنگ امپریالیستی و مبارزه با تمام جلوه‌های آن، منجمله استفاده غیرضرور از لوازم آرایش و مُد که آنان را به موجودات عروسکی، یعنی عالی‌ترین محصول جامعه‌ی سرمایه‌داری تبدیل می‌کند، به مبارزات ضدامپریالیستی مردم ایران گسترش و عمق بیشتری بخشند.» («تجربه‌ی سازمان‌های زنان...»، شهین نوایی)

«اتحاد ملی زنان» هفته‌نامه «برابری» را منتشر می‌کرد که بعداً به ماهنامه «زنان در مبارزه» تغییر یافت. پس از انشعاب در

درون سازمان چریک‌های فدایی خلق در تیرماه ۱۳۵۹ کلیه‌ی اعضای طرفدار «اکثریت» بدون توضیح و اعلام کتبی در آذرماه ۱۳۵۹، «اتحاد ملی زنان» را ترک کردند. با این حال، «اتحاد» مدتی به فعالیت‌های خود ادامه داد، اما با گسترش جوّ سرکوب، این فعالیت‌ها تدریجاً کاهش یافت و سپس کاملاً قطع شد.

هما ناطق مورخ و استاد دانشگاه به عنوان یکی از «بنیانگذاران اتحاد ملی زنان»، ضمن اشاره به سخنرانی خود در اجتماع اعتراضی زنان در دادگستری می‌گوید: «شب همان‌روز بچه‌های فدایی آمدند و گفتند بیا سازمان زنان راه بیندازیم. ما آمدیم اتحاد ملی زنان را در هواداری از بچه‌های فدایی راه انداختیم... خلاصه ما شروع کردیم از تمام فعالیت‌های سیاسی فداییان جانب‌داری کردیم... کلفت‌های سازمان فدایی شدیم، بدون این که بخواهیم به خودمان برسیم. بدون این که بها بدهیم به آزادی خودمان. و من یکی از کسانی بودم که واقعاً سرکوب کردم این جنبش زنان را به‌خاطر سیاست. یعنی هر دفعه که این‌ها آمدند حرف از حقوق خودشان بزنند، در سرکوب این فکر شریک شدم...» (گفتگو با هما ناطق - مهناز افخمی - تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات ایران، جلد ششم، ص ۱۰۵۹)

ناهید جلالی (نزدیک به جناح اقلیت فدایی) از اعضای کمیته حقوقی اتحاد ملی زنان بود.

زهره خیام در خاطرات خود از هما ناطق، هایده مغیثی و مسعوده آزاد به عنوان اعضای شورای مؤسس «اتحاد ملی زنان» نام برده است. همچنین میهن جزنی و عاطفه گرگین از دیگر زنان شناخته شده‌ای بودند که به این سازمان پیوستند. (مهناز متین، ویراستار کتاب «بازبینی تجربه‌ی اتحاد ملی زنان»، خانم نسرین بصیری را هم به عنوان یکی از بنیان‌گذاران «اتحاد ملی زنان» معرفی می‌کند.)

۷- کمیته زنان مبارز

این کمیته حدود سه ماه پیش فعالیت خود را در شیراز آغاز کرده است. این کمیته در نشریه شماره ۲ در معرفی خود می‌نویسد: «خواست‌ها و اهداف کمیته زنان مبارز از خواست‌های زنان مبارز و زحمتکش ایران و هم‌چنین تمام خلق های ایران، اعم از زن و مرد و پیر و جوان، جدا نمی‌باشد. یکی دیگر از وظایف جنبش دموکراتیک و تشکیلات‌های دموکراتیک زنان محکوم کردن عملکرد و سیاست‌های ضدانقلابی جمهوری توده‌ای چین در عرصه‌ی بین‌المللی می‌باشد.» (روزنامه آیندگان، ۵ خرداد ۱۳۵۸)

ارگان این کمیته، نشریه‌ی «پیکار زن» است.

۸- اتحادیه زنان حقوقدان

«در گفتگویی که با خانم معاضد دبیر این اتحادیه داشتیم، گفته شد که اتحادیه زنان حقوقدان تقریباً ۱۰ سال پیش در ایران تأسیس شده است و وابسته به اتحادیه بین‌المللی زنان حقوقدان است. رئیس این اتحادیه دکتر مهرانگیز منوچهریان

است. این اتحادیه بیشتر یک سازمان صنفی است و بر طبقه خاصی از زنان تکیه ندارد. هدف این اتحادیه به گفته دبیر اتحادیه، رفع تبعیض از حقوق زن است.» (روزنامه آیندگان، ۵ خرداد ۱۳۵۸)

۹- شورای همبستگی در امور مربوط به حقوق زنان

«شورای همبستگی زنان» شاید تنها استثنا در میان گروه‌های زنان بود که بدون وابستگی حزبی و با هدف ایجاد همبستگی و همکاری میان گروه‌های مختلف زنان، در خرداد ماه ۱۳۵۸ شکل گرفت. همکاری این گروه‌ها در تاریخ ۴ آذر ۱۳۵۸ منجر به برگزاری موفقیت‌آمیز کنفرانسی برای بررسی حقوق زنان در قانون اساسی جدید و قانون خانواده شد. اما این ابتکار مهم نیز مورد پشتیبانی جدی بسیاری از احزاب و گروه‌های چپ، که رهبران‌شان ضمن اعتقاد به ایده‌ی برابری زن و مرد، کوچک‌ترین اولویت سیاسی فوری برای آن قایل نبودند، و در نتیجه سازمان‌های زنان آن‌ها، قرار نگرفت.» (هایده مغیثی)

در برگزاری این کنفرانس هیچ کدام از نیروهای سیاسی عمده و مطرح، کوچک‌ترین همکاری نکردند و پیام نفرستادند. به علاوه سازمان چریک‌های فدایی خلق در همان روز و همان ساعت، راهپیمایی به طرف سفارت آمریکا را - در حمایت از دانشجویان پیرو خط امام - اعلام نمود...» («تجربه‌ی سازمان‌های زنان...»، شهین نوایی)

«کمیته زنان جبهه دمکراتیک ملی»، «انجمن رهایی زن»، «اتحادیه انقلابی زنان مبارز»، «اتحاد ملی زنان»، «جمعیت بیداری زن» و «جمعیت زنان مبارز»، شش گروهی بودند که به همراه چندین «کمیته صنفی» (مثل کانون مستقل معلمان، سازمان زنان برنامه و بودجه، اتحادیه زنان حقوق‌دان و...) این شورا را تشکیل دادند. «اتحادیه‌ی زنان حقوق‌دان» و «کانون مستقل معلمان تهران» از جمله تشکلهایی بودند که در برگزاری کنفرانس آذرماه شرکت داشتند.

۱۰- کمیته زنان جبهه دموکراتیک ملی ایران

از چهره‌های فعال و شناخته‌شده‌ی این کمیته، می‌توان از شهلا لاهیجی، روشنک داریوش، هایده مغیثی، ویدا سمیعیان و نسرين بصیری نام برد. این کمیته «اتحاد زنان را، صرف‌نظر از دیدگاه‌های خاص ایدئولوژیک، ضرورتی محسوس» تلقی می‌کرد. «زنده‌باد آزادی» نام نشریه‌ی این کمیته بود.

۱۱- انجمن رهایی زن

وابسته به سازمان وحدت کمونیستی بود که از اردیبهشت ۱۳۵۸ نشریه‌ای نیز با همین نام منتشر می‌کرد. انجمن رهایی زن - به گفته‌ی اعضای‌اش - جهت هرچه بیشتر سهیم کردن زنان ایران در براندازی ستم مضاعفی که هنوز هم در جامعه‌ی ما بیداد می‌کند، تشکیل شد. به اعتقاد این انجمن: «امروز در جهان سرمایه‌داری نیمی از ارتش عظیم کارگران و نیروهای تولید جوامع بشری را، زنان تشکیل می‌دهند که حتی در شرایط بدتر و پایین‌تری نسبت به مردان هم طبقه

خویش است شمار می شوند...» (روزنامه آیندگان، ۵ خرداد ۱۳۵۸)

ارگان این انجمن، نشریه «انجمن رهایی زن» است.

۱۲- کمیته زنان سازمان پیکار

این کمیته با هدف سازماندهی و کار در میان زنان زحمتکش محلات و زنان خانه‌دار تأسیس شد: «ما نمی‌توانیم جنبه‌ی دموکراتیک مبارزات زنان را نادیده گرفته و مبارزه زنان حول اهداف دموکراتیکی چون حق طلاق به‌طور مساوی، حق قضاوت، حق ارث مساوی با پسران و... را نفی کنیم. این مبارزه بدون وجود یک تشکیلات ممکن نیست.» (نشریه «پیکار»، شماره ۹۲، بهمن ۱۳۵۹)

یکی از فعالین سابق این کمیته اظهار می‌دارد: «برای زنان محلات، مسائلی اهمیت داشت که به‌طور مستقیم به زندگی‌شان مربوط می‌شد. مثلاً نگهداری از فرزندان پس از طلاق. ولی داشتن حق طلاق مسئله‌ی آن‌ها نبود. در مورد سنگسار اصلاً نمی‌شد حرف زد، چون از نظر آن‌ها کسی که زنا می‌کرد باید سنگسار می‌شد. حجاب برای این زنان مسئله نبود. البته ما خودمان در تظاهرات ضدحجاب شرکت کردیم؛ به‌طور فردی و با روسری. هیچ رهنمودی از طرف سازمان وجود نداشت؛ البته نمی‌گفتند نروید. ولی وقتی می‌خواستیم از این حرکت جمع‌بندی کنیم، گفتند مسئله فرعی است و نیروی انقلاب را به‌هرز می‌برد...» («تجربه‌ی سازمان‌های زنان ایرانی بعد از انقلاب»، شهین نوایی، نشریه‌ی بنیاد پژوهش‌های زنان ایران (گزارش سمینار «زن و سیاست در ایران معاصر»)، شماره‌ی پنجم، تابستان ۱۹۹۵، آمریکا)

نشریه «پیکار» در جمع‌بندی از فعالیت‌های کمیته زنان می‌نویسد: «هر تشکلی که بخواهد زنان زحمتکش را حول عناوینی چون مسئله‌ی عام زنان، درد و رنج مشترک زنان، متشکل نموده و بر تضادهای موجود بین طبقات متخاصم پرده بپفکند و بدین‌وسیله موجبی برای سازش میان طبقات به وجود آورده و یا به دست آوردن حقوق پایمال شده‌ی زنان را که فقط تحت رهبری پرولتاریا و در جامعه‌ای سوسیالیستی امکان‌پذیر است، تحت جامعه‌ای سرمایه‌داری امکان‌پذیر بداند، تشکلی انحرافی است.» (نشریه «پیکار»، شماره ۹۵، اسفند ۱۳۵۹)

۱۳- تشکیلات دموکراتیک زنان (وابسته به حزب توده)

نام تشکیلات زنان وابسته به «حزب توده» در اعلامیه‌ها و بیانیه‌های پس از انقلاب و به‌ویژه آنچه در رسانه‌ها آمده، صورت‌بندی‌های گوناگون به خود گرفته است: «سازمان زنان عدالت» (کیهان ۱۶ اسفند ۵۷)، «سازمان زنان دموکرات» (کیهان ۹ و ۱۱ فروردین ۵۸)، «جمعیت زنان دموکرات» (آیندگان ۱۷ اسفند ۵۷)، «زنان دموکرات» (نامه مردم ۲۴ اردیبهشت ۵۸). به نظر می‌رسد در آستانه‌ی انقلاب و پیش از بازگشت رهبران حزب توده از مهاجرت به ایران، زنان

هوادر حزب توده فعالیت خود را زیر نام «زنان دموکرات» به پیش می‌برند. اما این شبه‌تشکیلات از بهار سال ۱۳۵۸ با نام «تشکیلات دموکراتیک زنان» کارش را ادامه داد. این تشکیلات که از هر جهت به حزب توده وابسته بود، فعالیت مجدد خود را به‌طور مشخص در روز ۶ خرداد ۵۸ آغاز کرد. مریم فیروز مسئول این تشکیلات بود. ارگان رسمی آن ماهنامه «جهان زنان» بود و اولین شماره آن در همان ماه خرداد ۵۸ منتشر گردید. «خیزش زمستان ۵۷»، مهناز متین) روز ۱۶ اسفند زنان هوادر حزب توده (البته نه به نام حزب بلکه تحت نام «زنان دموکرات») جلسه‌ای به مناسبت ۸ مارس در دانشگاه صنعتی برگزار کردند. این برنامه در واقع کار مشترک زنان دموکرات و «کمیته تدارک...» بود ولی بعد در روز برگزاری، زنان دموکرات مراسم را به نام خود مصادره کردند. در این مراسم سیاوش کسرای شعرخوانی کرد و خانم تبریزیان، خانم حیدری بیگوند (مادر تورج حیدری بیگوند) و شهلا روزبه (برادرزاده‌ی خسرو روزبه) سخنرانی کردند.

دکتر فاطمه ایزدی، خانم تبریزیان و آلما (همسر ابتهاج) از اعضای این تشکیلات بودند.

پایان بخش اول

پاییز ۱۳۰۴

امضا محفوظ

منابع:

- «خیزش زنان در اسفند ۵۷» - مهناز متین و ناصر مهاجر
- «بازبینی تجربه اتحاد ملی زنان»، مهناز متین
- «اتحاد ملی زنان، یک تجربه سوسیال - فمینیستی ناکام»، هایده مغیثی
- «زنان و انقلاب ۱۳۵۷، تجربه اتحاد ملی زنان»، هایده مغیثی
- «مصاحبه با هما ناطق، تاریخ شفاهی ایران»، ضیا صدیقی
- «تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات ایران، جلد ششم، ص ۱۰۵۹
- «تجربه‌ی سازمان‌های زنان ایران بعد از انقلاب»، شهین نوایی
- «حجاب، توتالیتاریسم اسلامی و اپوزیسیون»، ژاله احمدی
- فصلنامه «نیمه دیگر»
- (جنبش زنان در ایران - ناهید یگانه (پروین پایدار) - نیمه دیگر شماره دوم - پاییز ۱۳۶۳
- «زنان یک هفته در کشاکش حجاب»، تهران مصور، شماره ۹، ۲۵ اسفند ۵۷
- ارگان‌های رسمی سازمان‌های چپ
- روزنامه‌های سراسری کیهان، اطلاعات، آیندگان...